

معماری‌های دربار ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)^۱

حمیدرضا پیشوایی^۲

زهرا اهری^۳

دریافت: ۲۷ دی ۱۳۹۹

پذیرش: ۵ تیر ۱۴۰۰

(صفحه ۱۲۵-۱۰۷)

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: معماری‌های ناصری، معمار، سازوکار معماری، معماری قاجاریان، معماری سلطنتی.

چکیده

دوره قاجاریه، به‌ویژه عصر ناصری، از مهم‌ترین مقاطع زمانی و به تعبیری سرآغاز دوران معاصر در تاریخ معماری ایران است. با این حال، تصویر و تصور ما از سازوکار معماری در این برهه حساس مبهم و ناروشن است. به‌رغم اسناد و مدارک فراوان موجود درباره معماری‌های دربار در این برهه، شناخت ما از آنها، به‌مثابه بخشی از مهم‌ترین عواملن تشکیلات معماری سلطنتی، بسیار اندک است. در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از راهبرد تاریخی، تلاش می‌کنیم تا در برهه پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) احوال و آثار معماری‌های دربار ناصری، محدوده وظایف و مسئولیت‌های آنها، و نیز سیر تحول و دگرگونی منصب معماری‌اشیگری را تحلیل و تفسیر کنیم. بررسی منابع نوشتاری حاکی از آن است که در دربار ناصری پنج معماری‌اشی بر سر کار بوده‌اند: عبدالله‌خان، محمدتقی‌خان، محمدابراهیم‌خان، حاجی ابوالحسن، و حسین‌علی‌خان معماری‌اشی. این اشخاص وظایف و مسئولیت‌های خرد و کلانی بر عهده داشتند، اما اصلی‌ترین کار آنها نظارت فنی هم‌زمان بر مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی بود. فزونی یافتن این ساخت‌وسازها که در دهه‌های ۱۲۸۰-۱۳۰۰ق منجر به شکل گرفتن نقش مباشرت، پدید آمدن منصب ریاست بنایی، و قدرت یافتن معماران طراز اول شد، چرخشی در منصب معماری‌اشیگری پدید

آورد و باعث شد تا پس از سال‌ها فترت این منصب دوباره به‌دست معماران اهل فن بیفتد. در طی این سال‌ها، با پیشرفته‌تر شدن سازوکار معماری سلطنتی از لحاظ دیوان‌سالاری، نسبت منصب معماری‌اشیگری با دیگر مناصب و نقش‌ها روشن‌تر و دقیق‌تر شد. این تحولات، به تعبیری، از نشانه‌های تجدد در تشکیلات معماری دربار ناصری است.

مقدمه

سازوکار معماری در دوره قاجاریه، به‌رغم نزدیکی زمانی با روزگار ما، مبهم و ناروشن است. تصویری که امروزه از معماری این دوره در ذهن داریم تقریباً منحصر به آثار معماری است. حال آنکه عاملان معماری، به‌ویژه معماری‌اشی‌ها، نیز بخشی از جهان معماری بودند که نقشی انکارناپذیر در ساخت‌وسازهای سلطنتی داشتند. شناخت نقش و جایگاه این اشخاص نه‌فقط فهم ما را از سازوکار معماری در این مقطع زمانی مهم غنی‌تر می‌کند، بلکه، به‌سبب نزدیکی زمانی دوره قاجاریه با روزگار ما، و از آنجاکه سرآغاز دوران معاصر در ایران

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان معماری کاخ گلستان در عصر ناصری: به‌مثابه آیین تحول نوع که به راهنمایی نگارنده دوم و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در تاریخ شهریورماه سال ۱۴۰۰ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی

h.pishvaie@gmail.com

۳. نویسنده مسئول

z_ahari@sbu.ac.ir

پرسش اصلی پژوهش

۱. معمارباشی‌های دربار ناصری چه کسانی بودند و چه کارهایی انجام دادند؟

۲. محدوده وظایف و مسئولیت‌های این معمارباشی‌ها چه بود؟

۳. در طی پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، منصب معمارباشی چگونه و چرا تغییر کرد؟

۴. نک: یحیی ذکاء، «معماران، استادکاران دوران اسلامی».

۵. نک: زهره بزرگ‌نیا، *معماران ایران*.

۶. نک: زهرا برادران، *تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه*.

۷. متأسفانه پیش از نوشته اعتمادالسلطنه در *المآثر و الآثار* هیچ شاهدهی درباره تشکیلات معماری دربار ناصری در دست نیست.

۸. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۴۵.

۹. بنابر نتایج پژوهش حاضر، معمارباشی‌های عصر ناصری دقیقاً منطبق بر این فهرست نبوده‌اند. طبق شواهد نوشتاری، عبدالله‌خان قدری پیش از محمدتقی‌خان عهده‌دار منصب معمارباشی‌گری بوده است. به‌علاوه، شاهدهی در دست نیست که بر معمارباشی‌گری استاد حسین کاشانی دلالت کند.

۱۰. محمدعلی کریم‌زاده تبریزی، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی*، ج ۱، ص ۳۰۱.

۱۱. فرهادمیرزا قاجار، *زنبیل*، ص ۱۴۳.

۱۲. کریم‌زاده تبریزی، همان، ص ۳۰۱-۳۰۳.

۱۳. فرهادمیرزا قاجار، همان، ص ۱۴۲.

۱۴. خاوری شیرازی، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۲، ص ۸۷۶.

به تعبیری از این زمان آغاز می‌شود، به‌مثابه سرنخی است برای فهم مسائل معماری امروز ما.

در مقاله حاضر، با تکیه بر منابع نوشتاری و با راهبرد تاریخی سعی خواهیم کرد تا احوال و آثار معمارباشی‌های دربار ناصری، محدوده وظایف و مسئولیت‌های آنها، و نیز سیر تحول و دگرگونی منصب معمارباشی‌گری در برهه پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه را تحلیل و تفسیر کنیم تا از این طریق تصویر مبهم آنها قدری شفاف‌تر شود. خوشبختانه، به‌سبب جایگاه و اهمیت این اشخاص، شواهد نوشتاری قابل توجهی درباره‌شان وجود دارد، باین‌حال، تاکنون پژوهش مجزایی درباره آنها صورت نگرفته است. از اشارات اندک و پراکنده یحیی ذکاء^۴ و زهره بزرگ‌نیا^۵ به معمارباشی‌های دوره قاجاریه که بگذریم، یگانه پژوهش جدی در این زمینه پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرا برادران با عنوان *تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه* است.^۶ باین‌حال، در هیچ‌یک از موارد فوق، مؤلفان بر معمارباشی‌ها و منصب معمارباشی‌گری تمرکز نکرده‌اند. این نوشتار مشتمل بر سه پاره است. پاره نخست درباره آثار و احوال معمارباشی‌های دربار ناصری است، از جمله تاریخ ولادت و فوت، شأن و منزلت، و نیز آثار و کارهای آنها پیش و پس از رسیدن به منصب معمارباشی‌گری. از آنجاکه درباره این اشخاص اطلاعات بسیار کمی در دست است، در این پاره با استناد به منابع درجه اول، تک‌نگاری موجزی از آثار و احوال یک‌یک آنها به‌دست می‌دهیم. در پاره دوم، وظایف و مسئولیت‌های معمارباشی‌ها را تحلیل می‌کنیم، فارغ از آنکه چه کسی عهده‌دار این منصب بوده است. پاره سوم به تبیین سیر و چگونگی تحول این منصب در برهه پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه، در کنار دیگر مناصب و نقش‌های تشکیلات معماری دربار، اختصاص دارد. درنهایت نیز به چرایی این تحول و عوامل مؤثر در آن می‌پردازیم.

۱. اشخاص

به تاریخ ۱۳۰۶ق اعتمادالسلطنه در *المآثر و الآثار* فهرست معمارباشی‌های دربار ناصری را در ذیل عنوان «اعضای ریاست بناخانه و منصب معمارباشی‌گری» ذکر کرد.^۷ «محمدتقی‌خان معمارباشی، استاد حسین کاشانی، عبدالله‌خان، محمدابراهیم‌خان وزیر نظام، حاج ابوالحسن اصفهانی صنایع‌الملک، حاج حسین‌علی اصفهانی صنایع‌الملک»^۸ اعضای این فهرست بودند که در عصر

نقش کند.^{۱۴} از دیگر آثار او در عصر فتحعلی‌شاه عمارت چشمه بود که برای تاج‌الدوله، همسر شاه، ساخت.^{۱۵}

در عصر محمدشاه، عبدالله‌خان همچنان مهم‌ترین و متنفذترین صنعتگر دربار بود، تا آن حد که به سال ۱۲۵۵ق شاه او را به ریاست همهٔ صنعتگران و پیشه‌وران دربار برگزید. بنابر فرمان انتصاب عبدالله‌خان، که در میان اسلاف و اخلافش در دورهٔ قاجاریه بی‌نظیر است، او که ابتدا «در سلک نقاشان نقاش‌خانهٔ همایون سلطانی» بود، به سبب لیاقت و قابلیت، «در نقاش‌خانهٔ اقدس به لقب باشیگری ملقب و به خطابِ خانی مخاطب گردید»؛ اما بعدها، به سبب استادی‌اش «در نقاشی و طراحی بیوتات»، به منصب باشیگری معماران و سایر پیشه‌وران و صنعتگران بیوتاتِ خاصهٔ نیز منصوب شد.^{۱۶} جایگاه و شأن عبدالله‌خان در ریاست بر همهٔ صنعتگران دربار، و نه فقط معماران، در میان همهٔ معمارباشی‌های دورهٔ قاجاریه منحصر به فرد است. او نه فقط مقام ریاست و نظارت بر کارهای

ناصری به ترتیب، یکی پس از دیگری، به این سمت‌ها منصوب شدند.^۹ نوشتهٔ اعتمادالسلطنه، با وجود برخی ابهام‌های جزئی، دقیق‌ترین فهرستی است که از معمارباشی‌های عصر ناصری در دست داریم؛ از این‌رو در این پاره آن را مبنای کار قرار می‌دهیم.

۱.۱. عبدالله‌خان معمارباشی

عبدالله‌خان که از اواخر عصر فتحعلی‌شاه معمارباشی دربار بود، در چند سال اول سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز این منصب را بر عهده داشت و از این‌رو در میان اعضای فهرست اعتمادالسلطنه متقدم‌ترین معمارباشی به لحاظ سابقه است. محمدعلی کریم‌زاده تبریزی در *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران* تاریخ ولادت او را در حدود سال‌های ۱۱۹۷-۱۲۰۰ق تخمین زده است.^{۱۰} عبدالله‌خان که اصالتاً اصفهانی بود، نخست نقاش باشی و سپس معمارباشی دربار فتحعلی‌شاه شد. او در عهد سلطنت فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه عهده‌دار این مناصب و از صنعتگران طراز اول دربار بود. بنابر روایت فرهادمیرزا، او تا تاریخ پانزدهم رجب ۱۲۷۶ق زنده بوده، اما در ۱۲۸۳ق دیگر در قید حیات نبوده است.^{۱۱} بنابراین می‌بایست بین سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۸۳ق بدرود حیات گفته باشد.

به سال ۱۲۲۸ق، عبدالله‌خان نقاش باشی دربار فتحعلی‌شاه بود، اما منصب معمارباشیگری را شخصی دیگر در عهده داشت. این امر از تابلوی صف‌سلام در کاخ نگارستان، از مهم‌ترین آثار نقاشی عبدالله‌خان، پیداست (ت ۱).^{۱۲} در این تابلو که به سال ۱۲۲۸ق نقاشی شده، او تصویر خود را با عنوان «آقا عبدالله نقاش باشی» در کنار «معمارباشی» نقش کرده است.^{۱۳} اما به سال ۱۲۴۸ق، در اواخر عهد فتحعلی‌شاهی، عبدالله‌خان هر دو سمت را داشت. بنابر روایت مؤلف *تاریخ ذوالقمرین* در ذکر وقایع سال ۱۲۴۸ق، «عبدالله‌خان اصفهانی نقاش باشی و معمارباشی که در صنایع مهندسی و نقاشی، ثانی سنمّار و مانی» بود مأمور شد تا بر سنگ‌های چشمه علی نزدیک تهران صف سلامی

۱۵. احمدمیرزا قاجار، تاریخ عضدی، ص ۲۶.
۱۶. نک: محمدشاه، «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاشخانه و خطاب‌خانی به عبدالله‌خان»؛ ایرج افشار، «فرمان محمدشاه برای معمارباشی دربار».

ت ۱. «تابلو صف سلام»، اثر عبدالله‌خان نقاش باشی، ۱۲۲۸ق. تصویر آقا عبدالله نقاش باشی (معمارباشی بعدی) در کنار آقاخان معمارباشی. عکس از مینا رمضان‌جماعت.



بود. به سال ۱۲۶۹ق، ناصرالدین شاه او را به سبب بعضی خدماتش نواخت و یک ثوب جبه ترمه به او عطا کرد.^{۲۶} به تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲ق، بعضی باغ‌ها و اراضی به او واگذار شد تا آنها را به فروش برساند^{۲۷} و این از آخرین خبرهایی است که از او در دست داریم. از آنجاکه به تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۷۷ق مؤلف *روزنامه دولت علیه*، در اشاره به کارهای محمدابراهیم معمارباشی، او را «پسر مرحوم محمدتقی خان معمارباشی» خوانده است،^{۲۸} محمدتقی خان در حد فاصل سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۷ق درگذشته است.

۳.۱. محمدابراهیم خان معمارباشی

محمدابراهیم خان پس از پدرش، محمدتقی خان، به منصب معمارباشیگری دربار ناصری رسید (ت ۲ و ۳). در بین معمارباشی‌های دربار ناصری، او بیش از همه هم‌قطارانش و قریب به بیست سال، ح ۱۲۷۷-ح ۱۲۹۸ق، عهده‌دار این منصب بود. محمدابراهیم خان در صفر ۱۳۰۹ق بدرود حیات گفت و از آنجاکه در هنگام مرگ ۷۵ سال داشت،^{۲۹} می‌بایست متولد ۱۲۳۴ق بوده باشد.

سیر ترقی محمدابراهیم خان بیشتر همچون مدیران بلندمرتبه دربار بود تا معمارباشی‌ها و از این حیث در تشکیلات معماری دربار ناصری مطلقاً استثنا بود. در شماره ۴۶ *روزنامه شرف* به تاریخ ۱۳۰۳ق، شرح حال مختصری از زندگی و سیر ترقی او، از معمارباشیگری به «وزارت دارالخلافه»، «اداره خزانه نظام» و «وزارت نظام» درج شده است.^{۳۰} برای دیگر هم‌قطاران او، انتصاب به معمارباشیگری منتها درجه پیشرفت بود، اما محمدابراهیم خان از این فراتر رفت و به بالاترین مدارج و مناصب دربار دست یافت.

ظاهراً او در فن معماری تجر چندانی نداشته و وظایف و مسئولیت‌هایش محدود به کارهای نظارتی و مدیریتی بوده است. ممتحن‌الدوله در خاطراتش به تصریح از ناواردی محمدابراهیم خان در کارهای معماری نوشته است. برطبق

معماری را بر عهده داشت، بلکه بنابر فرمان یادشده، ظاهراً در صنعت و عمل معماری نیز زبده و استاد بود.

در عصر محمدشاه، به سال ۱۲۶۱ق عبدالله خان معمارباشی شاخه‌ای از رود کرج را جدا کرد و تا شهر کشید.^{۳۱} در عصر ناصری نیز، به سال ۱۲۶۷ق، «عمارت و تجدید قلعه ارگ جدید دارالخلافه طهران» بر عهده او بود.^{۳۲} احتمالاً به سبب کهولت سن، عبدالله خان در همان سال‌های نخستین سلطنت ناصرالدین شاه از سمتش عزل شد و یا خود از آن کناره گرفت.

۲.۱. محمدتقی خان معمارباشی

محمدتقی خان معمارباشی اهل آذربایجان و پدر محمدابراهیم خان معمارباشی و منیرالسلطنه، مادر کامران میرزای نایب‌السلطنه، بود.^{۳۳} در فهرست اعتمادالسلطنه، نام محمدتقی خان معمارباشی پیش از بقیه ذکر شده است؛ با این حال، بسیار بعید است که او به لحاظ زمانی متقدم بر عبدالله خان بوده باشد. تاریخ دقیق انتصاب محمدتقی خان به منصب معمارباشیگری معلوم نیست؛ اما بنابر گزارش اعتمادالسلطنه در *روزنامه شرف*، او در زمان محمدشاه نیز «منصب معمارباشیگری و اداره کل تعمیرات عمارات سلطنتی ممالک محروسه» را بر عهده داشته است.^{۳۴} بنابر یکی از فقرات *نسخ التواریخ* نیز محمدتقی خان به سال ۱۲۶۴ق، یعنی در عهد سلطنت محمدشاه، معمارباشی دربار بوده است.^{۳۵} با این اوصاف، در واپسین سال‌های حکومت محمدشاه و نخستین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه، عبدالله خان و محمدتقی خان به‌طور هم‌زمان منصب معمارباشیگری دربار را بر عهده داشته‌اند که از مسائل غامض و پیچیده مربوط به سازوکار معماری سلطنتی در دربار ناصری است.

دارالفنون^{۳۶}، بناهای درون و بیرون ارگ سلطنتی^{۳۷}، باغ‌های لاله‌زار، نگارستان، قصر قاجار^{۳۸}، و نیز عمارت کلاه‌فرنگی کاخ گلستان^{۳۹} از جمله کارهای معماری محمدتقی خان، اعم از ساخت‌وسازها و مرمت‌ها، در خلال سال‌های ۱۲۶۷-۱۲۷۰ق

۱۷. رضاقلی خان هدایت، *تاریخ روضه الصفاى ناصرى*، ج ۱۵، ص ۸۳۱۹.
۱۸. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۹۰؛ همو، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، ۱۷۱۵؛ *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ج ۱، ص ۷۶.
۱۹. حسین محبوبی اردکانی، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*: جلد دوم، ص ۵۱۵.
۲۰. *روزنامه شرف*، ش ۴۶ (ذی حجه ۱۳۰۳ق).
۲۱. محمدتقی سپهر، *نسخ‌التواریخ*، ج ۲، ص ۹۳۵.
۲۲. اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، ص ۱۷۱۹.
۲۳. *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ج ۱، ص ۳۴۴، ۷۶۳.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۶.
۲۵. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۹۴.
۲۶. *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ج ۱، ص ۶۴۹؛ اعتمادالسلطنه، *مرآة البلدان*، ج ۲، ص ۱۱۵۱.
۲۷. *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ج ۲، ص ۱۶۳۴؛ اعتمادالسلطنه، *مرآة البلدان*، ج ۲، ص ۱۲۴۲.
۲۸. *روزنامه دولت علیه ایران*، ج ۱، ص ۲۹.
۲۹. *روزنامه ایران*، ج ۴، ص ۳۰۴۰.
۳۰. *روزنامه شرف*، ش ۴۶ (ذی حجه ۱۳۰۳ق).
۳۱. ممتحن‌الدوله، *خاطرات ممتحن‌الدوله*، ص ۱۷۲، ۱۷۵.
۳۲. همان، ص ۱۷۲-۱۷۳.
۳۳. «مکاتبات شاهدگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین شاه»، ص ۳۳۴.

۳۴. «تلگراف‌های مظفرالدین میرزا، مخبرالدوله، صدر اعظم، سپهسالار، امین‌السلطان و غیره»، ص ۳۲.
۳۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۳۹.
۳۶. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۲۹.
۳۷. همان، ج ۱، ص ۴۷۰.
۳۸. همان، ج ۲، ص ۷۰۷.
۳۹. همان، ج ۲، ص ۷۳۳.
۴۰. «نامه‌های عزیزخان مکری، سعید انصاری، عین‌الملک، حسام‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، مشیرالدوله، و سپهسالار به شاه»، ص ۳۴۶.
۴۱. ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق، ص ۲۴.
۴۲. نک: «نامه‌های سعید انصاری، فیروز میرزا، عزیزخان مکری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۶، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲.
۴۳. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۱۱۸۶؛ «دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معماری‌اشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و... در جاجرود».

ت ۲ (چپ). تصویر محمدابراهیم‌خان معماری‌اشی، مأخذ: مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۷- ۱- ۳۸۹.

ت ۳ (راست). تصویر محمدابراهیم‌خان وزیر نظام (معماری‌اشی پیشین)، مأخذ: روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).

گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، در خرابی‌های سیل شمیران، «آقا محمدابراهیم پسر عالی‌جاه معماری‌اشی» را به همراه برخی مباشران دیگر و عمله‌ها برای هدایت آب به خندق فرستادند تا مانع آسیب دیدن عمارت‌های سلطنتی شوند.^{۳۵} نخستین کار معماری مهم او ساخت عمارت بادگیر و دریاچه جدید چهل‌ستون کاخ گلستان به سال ۱۲۷۷ق بود که به سبب آن یک ثوب جبهه ترمه کرمانی از ناصرالدین شاه دریافت کرد.^{۳۶} دو سال بعد نیز، در ۱۲۷۹ق، به سبب مراقبت کامل در انجام دادن خدماتش به لقب خانی نائل شد.^{۳۷}

در حد فاصل سال‌های ۱۲۸۱- ۱۲۹۶ق بسیاری از ساخت‌وسازهای دربار ناصری در دست محمدابراهیم‌خان معماری‌اشی بود. قصر قاجار^{۳۸}، دریاچه بزرگ میدان ارگ^{۳۹}،



نوشته‌های او، معماری‌اشی اگرچه نیک‌نفس و خوش‌نیت بود، «اصلاً بویی از معماری نبرده بود».^{۳۱} همو در چند موضع دیگر از خاطراتش، از جمله در ذکر ماجرای ساخت حوض میدان ارگ^{۳۳} به نابلدی محمدابراهیم‌خان در کار معماری تصریح کرده است. باین‌حال، بعضی اسناد و مدارک را می‌توان به مشارکت او در کار معماری نیز تعبیر کرد، از جمله دو سند به سال‌های ۱۲۹۱ق^{۳۳} و ۱۲۹۶ق.^{۳۴} این احتمال هست که محمدابراهیم‌خان به سبب آنکه سالیان دراز معماری‌اشی دربار بود، در سال‌های پایانی تصدی این منصب، تا حدی به عمل معماری وقوف یافته باشد.

نخستین شاهد بر دخالت او در کارهای معماری به سال ۱۲۶۹ق بازمی‌گردد، زمانی که هنوز معماری‌اشی نشده بود. بنابر



۴.۱. استاد حسین معمار

در فهرست اعتمادالسلطنه از میان معمارباشی‌های دربار ناصری، استاد حسین کاشانی گمنام‌ترین است. دقیقاً مشخص نیست که او که بوده و در چه برهه‌ای در دربار ناصری به فعالیت اشتغال داشته است. این احتمال هست که اعتمادالسلطنه سهواً نام او را در میان معمارباشی‌های دربار ناصری ذکر کرده باشد، چه نام او در هیچ جا با عنوان معمارباشی ذکر نشده است. در منابع نوشتاری مختلف، نام استاد حسین معمار در چند موضع ذکر شده، اما قدری بعید است که همه این اشارات به یک نفر راجع باشد.^{۴۴} اعتمادالسلطنه در دو موضع دیگر از نوشته‌هایش از استاد حسین معمار یاد کرده است. او در تاریخ منتظم ناصری از استاد حسین به عنوان مسئول بنایی‌های نظام نام برده^{۴۵} و در المآثر و الآثار استاد حسین خان صنیع لشکر، معمار نظام، را در فهرست اعضای اداره معمارخانه و فخرخانه آورده است.^{۴۶}

۵.۱. حاجی ابوالحسن معمارباشی

در دهه ۱۲۹۰ ق حاجی ابوالحسن معمار طراز اول دربار ناصری بود که در میان دیگر معماران مرتبه و شأنی ممتاز داشت. در خبر روزنامه ایران به سال ۱۲۹۳ ق، اعتمادالسلطنه او را «معمار مخصوص دیوان همایون» خوانده^{۴۷} و در سند بدون تاریخ دیگری، که احتمالاً به همان سال‌ها بازمی‌گردد، همین عنوان برای او به کار رفته است.^{۴۸} در خلال سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۰ ق، حاجی ابوالحسن که ترقی کرده بود با عنوان «رئیس معماران» خوانده می‌شد.^{۴۹} بنابر شواهد یادشده، در این سال‌ها او در مرتبه‌ای فراتر از همه معماران طراز اول دربار و در جایگاهی نزدیک به معمارباشی بوده است.

در ۱۳۰۰ ق حاجی ابوالحسن به استدعای امین‌السلطان رسماً به معمارباشی‌گری دربار ناصری برگزیده شد.^{۵۰} بنابر نوشته مهدی بامداد، او «در سال ۱۳۰۳ ق ترقی کرده، اداره بناخانه که جزء ادارات امین‌السلطان بود، به وی واگذار

عمارت تلگراف‌خانه، سلطنت‌آباد^{۴۱}، شهرستانک^{۴۲}، لاله‌زار، سلیمانیه، عمارت مهد علیا^{۴۳}، بناهای جاجرود^{۴۴}، میدان توپخانه^{۴۵}، خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه^{۴۶}، و نیز کاخ گلستان^{۴۷} از جمله مشغولیت‌های متعدد او در این سال‌ها بود.

آخرین سال‌های تصدی محمدابراهیم‌خان بر منصب معمارباشی‌گری در هاله‌ای از ابهام است. اعتمادالسلطنه که در خبر مورخ ربیع‌الاول ۱۲۹۸ ق روزنامه ایران او را با عنوان معمارباشی توصیف کرده،^{۴۷} سه ماه پس از آن، در یادداشت‌های روزانه‌اش او را «معمارباشی عتیق و وزیر دارالخلافه کنونی» خوانده است.^{۴۸} در ۱۳۰۰ ق حاجی ابوالحسن رسماً به منصب معمارباشی‌گری دربار منصوب شد.^{۴۹} بنابراین، وضعیت منصب معمارباشی‌گری در خلال سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۰ ق، تا حدی مبهم و نامشخص است. بنابر یک فرض، در این دو سال محمدابراهیم‌خان در عین اشتغال به وزارت دارالخلافه عهده‌دار منصب معمارباشی‌گری هم بوده است. این احتمال نیز هست که در این دو سال کسی منصب معمارباشی‌گری را در عهده نداشته و کارها و وظایف مربوط به این سمت بر عهده عاملان دیگر از جمله رؤسای بنایی و رئیس معماران، حاجی ابوالحسن، بوده است.

در بین معمارباشی‌های دربار ناصری، محمدابراهیم‌خان، به علت نسبت سببی با ناصرالدین‌شاه، شأنی بالاتر از همه هم‌قطارانش داشت. او برادر منیرالسلطنه، همسر ناصرالدین‌شاه، و دایی کامران میرزا نایب‌السلطنه بود.^{۵۰} احتمالاً به همین سبب بود که در مکاتبات دیوانی او را «مقرب الخاقان» می‌خواندند.^{۵۱} همچنین او یگانه معمارباشی دربار بود که تصویرش در روزنامه‌های عصر ناصری درج می‌شد.^{۵۲} ناصرالدین‌شاه همواره به او لطفی خاص داشت و او را به سبب خدمات کوچک و بزرگش با مرحمت‌هایی می‌نواخت که به لحاظ کیفیت و کمیت در قیاس با اسلاف و اخلافش بی‌نظیر بود.^{۵۳}

۴۴. ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر اول فرنگستان، ص ۳۹۳.

۴۵. گزارش اتمام کار خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه و درخواست تحویل کار و دریافت قبض/ دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه»، ص ۳.

۴۶. نک: «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۳۴؛

«گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنایی قصر عاج و شمس‌العماره ۲۷/ محرم

ق/ ۱۲۹۲»: «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه

در سفر دوم فرنگستان»، ص ۲۲۸؛ ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان

(۱۲۹۵ ه. ق)، ص ۳۵۵-۳۵۷، ۴۴۷؛ روزنامه ایران، ج ۲، ص ۱۶۰۱.

۴۷. روزنامه ایران، ج ۳، ص ۱۷۸۸.

۴۸. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات ناصری، ص ۷۵.

۴۹. روزنامه ایران، ج ۳، ص ۲۰۳۹؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۲۱۰.

۵۰. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۳، ص ۳۹۳.

۵۱. نک: «نامه‌ای به ناصرالدین شاه مبنی بر شکایت معمارباشی از نحوه ارزیابی عملکرد وی / ۱۲۹۲ق / تهران»: «نامه‌های سعید انصاری، فیروز میرزا، عزیزخان مکرری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲؛ ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه.ق.)، ص ۲۵۶، ۵۲. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۴۷۰، ج ۲، ص ۷۰۷؛ روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).

۵۳. در خلال سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۹۸ق نشان سرهنگی، دویست تومان اضافه‌ی مواجب، یک ثوب جبه‌ترمه کشمیری، یک ثوب سرداری، یک قبضه قمه مرصع، یک قطعه کمر مرصع، دو قطعه گل کمر مرصع، نشان و حمایل سرتیپی، و یک قبضه عصای مرصع به او عطا شد (نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۶۱۶؛ ج ۲، ص ۷۰۷، ۷۳۳، ۱۰۴۸، ۱۱۳۸، ۱۱۸۶، ۱۱۹۳؛ روزنامه ایران، ج ۳، ص ۱۷۸).

۵۴. از نخستین شواهد دربردارنده نام استاد حسین، اگر به همو راجع باشد، نامه‌ای است به سال ۱۲۸۰ق. بنابر آن نامه، در جریان ساخت شمس‌العماره، خانه‌ای در مجاورت آن تخریب شده و استاد حسین معمار مسئول برآورد خسارت واردشده به خانه بوده است. نامه ممهور به مهری با عبارت «حسین منی، انا من حسینی ۱۲۵۳» است و اگر ۱۲۵۳ به سال سفارش مهر راجع باشد، در ۱۲۸۰ق استاد حسین احتمالاً حدود ۵۵ یا شصت سال سن داشته است (نک: «نامه یکی از معماران در مورد تخریب‌خانه‌ای ←

ارزش دوهزار تومان برای دربار بسازد.^{۷۵} از نخستین آثار حاجی ابوالحسن با عنوان معمارباشی، و شاید بزرگ‌ترین ساخت‌وساز تاریخ کاخ گلستان، تخریب اندرونی قدیم و ساخت اندرونی جدید به سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰ق بود.^{۷۶} سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ق از برهه‌های پرکاری او در تشکیلات معماری دربار ناصری بود. ساخت‌وسازهای دوشان‌تپه^{۷۷}، برج طغرل^{۷۸}، جاجرود^{۷۹}، شهرستانک^{۸۰}، سرخه‌حصار^{۸۱}، دوشان‌تپه^{۸۲}، سلطنت‌آباد^{۸۳}، و کاخ گلستان^{۸۴} از جمله مشغولیت‌های معمارانه متعدد او در این سال بود. بنابر سندی به تاریخ ۱۳۰۴ق، که ممهور به مهر معمارباشی است، حاجی ابوالحسن هم‌زمان به ساخت‌وسازهایی در سرخه‌حصار، صاحبقرانیه، سلطنت‌آباد، اقدسیه، عشرت‌آباد، عمارت خوابگاه، و نیز حرم‌خانه کاخ گلستان مشغول بوده^{۸۵} و گویا اینها در شمار آخرین کارهای معماری اوست.

بنابر روایت اعتمادالسلطنه، او به هنگام مرگ چنان متمول بود که به‌خانه‌اش طمع داشتند و ۴۵ هزار تومان از دارایی او را به ناصرالدین‌شاه دادند.^{۸۶} بنابر یکی از نامه‌های امین‌السلطان به ناصرالدین‌شاه که به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ق بازمی‌گردد، حاجی ابوالحسن در حدود ۸۰ هزار تومان دارایی داشته است.^{۸۷} ظاهراً او ثروت خود را در منزلش دفن کرده بوده، باین‌حال، بر آن دست یافتند و به شاه تقدیم کردند.^{۸۸}

۱.۶. حسین‌علی‌خان معمارباشی

پس از درگذشت حاجی ابوالحسن معمارباشی به سال ۱۳۰۵ق، اداره معمارخانه و بنایی دولت، منصب معمارباشیگری، و لقب صنیع‌الملکی هم‌زمان به دامادش، حاجی حسین‌علی، عطا شد.^{۸۹} حسین‌علی‌خان در ۱۳۱۱ق به مرگ غیرمترقبه در گذشت،^{۹۰} و اگر قول عین‌السلطنه درباره سن او در هنگام مرگ (ح ۵۸ سال) را صحیح بدانیم، باید تقریباً متولد ۱۲۵۳ق بوده باشد.^{۹۱} عین‌السلطنه او را «مرد محیل باشعور ناقلا» توصیف کرده^{۹۲} و بنابر روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه او فردی

شد.^{۹۳} حاجی ابوالحسن پس از دریافت منصب معمارباشیگری به لقب صنیع‌الملکی هم نائل شد که زمان آن دقیقاً مشخص نیست. قدر مسلم، در شعبان ۱۳۰۴ق این لقب را داشته؛ زیرا اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه‌اش او را به این نام خوانده است.^{۹۴} حاجی ابوالحسن به تاریخ رجب ۱۳۰۵ق درگذشت و از آنجا که در زمان فوت ۶۰ سال سن داشته،^{۹۵} تاریخ ولادتش می‌بایست ۱۲۴۵ق بوده باشد. بنابر نام و لقب کامل او، که حاجی ابوالحسن صنیع‌الملک اصفهانی است، احتمالاً اهل اصفهان بوده است.

حاجی ابوالحسن از پرکارترین معمارباشی‌های دربار ناصری بود و پیش از رسیدن به این منصب نیز کارهای زیادی در تشکیلات معماری دربار انجام داده بود. از جمله نخستین کارهای معماری او ساخت‌وسازهای دیرکاج در ۱۲۸۳ق است.^{۹۶} در حدود سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۲ق، چنان جایگاهی در تشکیلات معماری دربار داشت که تنخواهی تقریباً معادل معمارباشی دریافت می‌کرد^{۹۷} و در جلسات عاملان بلندمرتبه معماری حاضر می‌شد.^{۹۸} به سال ۱۲۹۱ق ناصرالدین‌شاه ساخت‌وسازهای بناهای نیوران و راه‌آب‌ها و حوض‌های آن را به حاجی ابوالحسن سپرد.^{۹۹}

برهه ۱۲۹۴-۱۳۰۰ق از سال‌های پرمشغله در زندگی حرفه‌ای حاجی ابوالحسن بود. از نخستین کارهای معماری مهم او در دربار ناصری ساخت بنایی در شهرستانک به سال ۱۲۹۴ق بود.^{۹۸} به سال ۱۲۹۵ق، در حین سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگستان، او عهده‌دار بسیاری از مرمت‌ها و ساخت‌وسازهای باغ‌ها و بناهای مختلف سلطنتی شد.^{۹۹} در خلال سال‌های ۱۲۹۴-۱۲۹۹ق ساخت تالار سلام و تالار آینه،^{۱۰۰} اتاق موزه جدید^{۱۰۱}، و نیز مرمت بسیاری از بناهای کاخ گلستان^{۱۰۲} بر عهده او گذاشته شد. در ۱۲۹۸ق در مدت دو ماه عمارت اندرونی شهرستانک را بنا کرد^{۱۰۳} که با پایان یافتنش یکصد تومان اضافه مواجب به مداخل او افزودند^{۱۰۴} و قرار شد تا هر سال بناهایی به

→

در مجاورت عمارت شمس العماره». در سندی دیگر به تاریخ ۱۲۹۲ق، شخصی که در متن نامه خود را استاد حسین خواننده به تصریح خود مبلغی پول از گماشتگان سپهسالار گرفته است، اما نامه مهمور به مهر «محمدحسین» است («قبوض پرداخت مخارج تعمیرات و بنای عمارت دوشان تپه قراولخانه و غیره توسط سپهسالار اعظم، وجیه اله میرزا»، ص ۵۹). بنجامین نیز در سفرنامه خود (۱۳۰۰-۱۳۰۲ق) از استاد حسین معمار، طراح باغ فردوس، به منزله یکی از دو معمار بزرگ ایران در آن زمان نام برده است (ساموئل گرین ویلر بنجامین، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، ص ۲۷۸).

۵۵. اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، ص ۲۱۱۵.
 ۵۶. همو، *المآثر و الآثار*، ص ۳۹۶.
 ۵۷. *روزنامه ایران*، ج ۲، ص ۱۲۲۴.
 ۵۸. «تلگراف و نامه‌های ولیعهد، سپهسالار، اعتضادالدوله، امین اقدس، معزالدوله، ظل السلطان، اعتماد حضور، امیر نظام»، ص ۷۳.
 ۵۹. *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۸۵۹-۱۸۶۰.
 ۶۰. همان، ج ۳، ص ۲۰۳۹.
 ۶۱. بامداد، همان، ج ۱، ص ۳۴؛ باین‌حال، بامداد شاهدهی در این باره ذکر نکرده است.
 ۶۲. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۴۹۷.
 ۶۳. همان، ص ۵۵۴.
 ۶۴. *روزنامه ایران*، ج ۲، ص ۱۲۲۴.
 ۶۵. «دستور شاه به علاءالدوله مینی بر دادن وجه به معمارباشی و حاجی ابوالحسن»، ص ۲؛ اعتمادالسلطنه،

متمول بوده است.^{۹۳} در فقره‌ای از *المآثر و الآثار* نام او «حاجی حسین‌علی خان اصفهانی» ذکر شده است،^{۹۴} توصیفی که حامل دو نکته است: نخست آنکه در زمان نگارش کتاب، ح ۱۳۰۶ق، حاجی حسین‌علی لقب خانی داشته و دوم آنکه احتمالاً از اهالی اصفهان بوده است.

حاجی حسین‌علی پنجمین و آخرین معمارباشی دربار ناصری بود. او نیز همچون سلف خود، حاجی ابوالحسن، معماری می‌دانست و بر هر دو جنبه عملی و مدیریتی معماری تسلط داشت. بنابر روایت اعتمادالسلطنه، حاجی حسین‌علی در خلال سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۲ق معمار باغ‌های سلطنتی بوده است.^{۹۵} از این‌رو، در *تاریخ منتظم ناصری* که پیش از انتصاب او به سمت معمارباشیگری نوشته شده، نامش در شمار اعضای «اداره باغات و عمارات و قنوات دولتی» و با عنوان «معمار مخصوص» ذکر شده است.^{۹۶} احتمالاً در حدود سال‌های ۱۲۹۵-۱۲۹۶ق بود که حاجی حسین‌علی رسماً وارد تشکیلات معماری دربار ناصری شد. در نمایشگاه ۱۲۹۵ق پاریس، معماری عمارت ایران را او بر عهده داشت.^{۹۷} ناصرالدین‌شاه در سفرنامه خود این عمارت را ستوده، اما از شیوه نگارش او پیداست که چندان با استاد حسین‌علی آشنا نبوده، زیرا او را «خویش حاجی ابوالحسن» معرفی کرده است.^{۹۸} احتمالاً پس از این واقعه بود که حاجی حسین‌علی رسماً به تشکیلات معماری دربار ناصری راه یافت. در سندی که احتمالاً به تاریخ ۱۳۰۰ق است، سخن از پرداخت هزینه‌های تعمیر باغات مبارکه به امین‌الملک توسط حاجی حسین‌علی معمار مخصوص است. در انتهای سند، مهر او با عبارت «حسینعلی ۱۲۹۶» به چشم می‌خورد که احتمالاً به تاریخ ساخت مهر راجع است.^{۹۹} اگر این فرض صحیح باشد، احتمالاً بدین معناست که او از سال ۱۲۹۶ق وارد تشکیلات معماری دربار ناصری شده است.

حاجی حسین‌علی به قدر سلفش پرکار نبود. تا زمانی که حاجی ابوالحسن در قید حیات بود، بیشتر ساخت‌وسازها را

او بر عهده داشت و وقتی او چشم از جهان فرو بست، میل ناصرالدین‌شاه به ساخت‌وساز نیز تا حدی فروکش کرده بود. بنابراین، حسین‌علی‌خان، با عنوان معمارباشی، مجال چندانی برای عرض اندام نیافت. بنابر سندی که به ح ۱۲۹۰-۱۲۹۸ق بازمی‌گردد، حاجی حسین‌علی معمار مسئول «ناتمامی‌های بنایی‌های دوشان تپه و برج کبوترخان و مرغ‌دان (?) و خرابی دیوار باغ به‌واسطه سیل و شبکه آجری و غیره» بوده است.^{۱۰۰} در سندی دیگر مربوط به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق، سخن از اهتمام او در بنایی و تعمیرات و تنظیف سلطنت‌آباد است.^{۱۰۱} ساخت‌وسازهای مربوط به باغ شاه و برج آن^{۱۰۲}، حوض دیوان‌خانه کاخ گلستان^{۱۰۳}، و تالار برلیان^{۱۰۴} از معدود کارهای معماری او در برهه معمارباشیگری‌اش است. کاخ ایبض از واپسین آثار اوست که در ۱۳۰۹ق به سبب ساخت آن نشان و حمایت سرتیپی درجه سوم از امین‌السلطان دریافت کرد.^{۱۰۵}

پس از فوت حسین‌علی‌خان صنیع‌الملک، سرنوشته منصب معمارباشیگری قدری نامعلوم است. از معدود شواهد موجود در این باره گزارش عین‌السلطنه به تاریخ ۱۳۱۱ق است. بنابر *روزنامه خاطرات* او، پس از درگذشت حاجی حسین‌علی‌خان معمارباشی،

لقب معمارباشی‌گری و مواجب و کار را به خود رضاخان دادند، به وکالت و نیابت عمویش. دوهزار تومان تمسک برای تقدیم گرفتند. گویا اعلیحضرت [ناصرالدین‌شاه] قبول نفرموده، رد شده. اما به نظر مطلبی خیلی غریب می‌آید. اگر شده باشد از نوادر اتفاقات است. لقب صنیع‌الملک گویا به پسر آن صنیع‌الملک نقاش‌باشی مرحمت شد. در اینجا اهمال شد.^{۱۰۶}

از این فقره معلوم نیست که ناصرالدین‌شاه دقیقاً از پذیرفتن چه چیزی سر باز زده است؛ از پیشنهاد معمارباشی شدن رضاخان یا قبول دوهزار تومان پیشکش او. اگر احتمال دوم را بپذیریم، به آن معناست که رضاخان منصب معمارباشیگری را بدون پرداخت پیشکش دریافت کرده است. باین‌حال، فقره نخست

روزنامه *خاطرات اعتماد السلطنه*، ص ۴.

۶۶ «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۲۴.

۶۷ همان، ص ۳۱۱.

۶۸ *روزنامه شرف*، ش ۲۱ (شوال المکرم ۱۳۰۱ ق).

۶۹ نک: «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۷۸، ۸۱، ۱۴۸، ۲۲۸، ۳۳۶؛ ناصرالدین‌شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۳۹۵ هـ.ق)*، ص ۳۳۲-۳۳۵، ۳۵۵-۳۵۷.

۷۰ یحیی ذکا، *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*، ص ۲۱۹-۲۲۰، ۲۲۶.

۷۱ «تلگراف‌های مظفرالدین میرزا، مخبرالدوله، صدر اعظم، سپهسالار، امین‌السلطان و غیره»، ص ۳۲، ۵۶؛ «نامه‌های مقامات کشوری و لشکری به شاه در خصوص وصول مالیات، ارسال پیشکشی، رسیدگی به اختلافات مالی و ملکی و غیره»، ص ۶۴.

۷۲ نک: «درخواست اجازه از شاه درباب انجام تعمیرات دیوانخانه و تخت مرمر / دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه»؛ «تلگراف و نامه‌های ولیعهد، ظل‌السلطان، مستوفی‌الممالک، امین‌السلطان، امین‌الملک، طولوزان، امیر نظام، عضدالدوله، عزالدوله و نایب‌السلطنه»، ص ۶.

۷۳ *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۸۵۹-۱۸۶۰.

۷۴ *اعتماد السلطنه*، تاریخ منظم ناصری، ج ۳، ص ۲۰۲۴-۲۰۲۵.

محلّات دارالخلافه» به او واگذار شده است.^{۱۰۷} معماری‌های دربار ناصری نیز تقریباً همواره عهده‌دار ساخت‌وسازهای متعدد و هم‌زمان بودند. از این‌رو، حتی اگر معماری می‌دانستند، قطعاً فرصت و مجال کافی نداشتند تا در همهٔ این ساخت‌وسازها در نقش معمار عامل حاضر شوند. بنابر اسناد و مدارک فراوان به‌جامانده از سال‌های ۱۲۸۳-۱۲۸۴ ق^{۱۰۸} و ۱۲۹۵ ق^{۱۰۹} رسیدگی هم‌زمان به بسیاری از ساخت‌وسازهای سلطنتی بر عهدهٔ محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی بوده است. این امر دربارهٔ معماری‌باشی بعدی، حاجی ابوالحسن معماری‌باشی، نیز صادق است. بنابر تلگرافی از او به تاریخ ۱۳۰۴ ق، مجموعهٔ وسیعی از ساخت‌وسازها زیر نظر و تحت رسیدگی او بوده است.^{۱۱۰} همچنین در تلگرافی به سال ۱۳۰۶ ق، در حین سومین سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ، حاجی حسین‌علی معماری‌باشی از سرکشی‌ها و رسیدگی‌های خود به کارهای مختلف معماری سخن گفته است.^{۱۱۱} به بیان دیگر، کار معماری‌باشی‌ها «مراقبت» و رسیدگی به مجموعهٔ ساخت‌وسازهای دربار بود. به سال ۱۲۹۸ ق، در ذکر سبب اعطای یک قطعه گل‌کمر مرصع به محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی، خبری در *روزنامه ایران* منتشر شد مبنی بر اینکه او به سبب «مراقبت زایدالوصف» در بنای ابنیهٔ دولتی و عمارات مبارکات^{۱۱۲} به این هدیه سرفراز شده.^{۱۱۳} در سندی مربوط به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ ق نیز، از کمال «مراقبت» حاجی ابوالحسن معماری‌باشی در ساخت و تعمیر بناهای سلطنتی سخن به میان آمده است.^{۱۱۴}

در تشکیلات معماری دربار ناصری، معماری‌باشیگری اساساً منصبی مدیریتی بود، از این‌رو انتصاب اشخاص به این سمت به معنای وقوف آنها بر فنون و دقایق معماری نبود. در عمل، کارهای معماری را معماران طراز اول، بناها، و عمله‌ها بر عهده داشتند. در بعضی منابع، این سلسله‌مراتب به‌خوبی مشخص است. در نامه‌ای که احتمالاً به پیش از ۱۲۹۰ ق و بنایی‌های باغ سلطنت‌آباد باز می‌گردد، آمده است:

بیشتر مقرون به صحت است؛ زیرا پس از فوت حسین‌علی‌خان معماری‌باشی، هیچ شاهدهی نیست که بر نام معماری‌باشی جدید دلالت کند، نه در *روزنامه رسمی ایران* و نه در منابع نوشتاری دیگر. به علاوه، در دو سال پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه ظاهراً ساخت‌وساز چندانی در دربار ناصری رخ نداد. قدر مسلم آن است که با درگذشت حسین‌علی‌خان، لقب صنیع‌الملکی از معماری‌باشی‌های اهل فن گرفته و دوباره به نقاشان داده شد.

۲. وظایف و مسئولیت‌ها

وظایف و مسئولیت‌های معماری‌باشی‌های دربار ناصری گسترده و متنوع و از یک شخص به شخص دیگر متفاوت بود. با این حال، ظاهراً بسیاری از کارها در میان آنها مشترک بود. رسیدگی و نظارت فنی هم‌زمان به مجموعهٔ ساخت‌وسازهای سلطنتی، سرکشی حضوری به کارها، نظارت بر خرده‌کاری‌های مربوط به ساخت‌وسازها، مأمور شدن به ساخت تک بناها، مشورت در طراحی بناها، تعمیر و مرمت بناهای پیشین، گماشتن عاملان خرد بر سر کارها، برآورد ساخت‌وسازها و تعمیرات، تحویل کارها بر مبنای این برآوردها، و نیز رتق‌وفتق امور مالی وابسته به این قبیل کارها از جمله وظایف و مسئولیت‌هایی بود که همهٔ معماری‌باشی‌های دربار ناصری، بیش‌وکم، به آنها اشتغال داشتند.

۲.۱. مدیریت مجموعهٔ ساخت‌وسازهای سلطنتی

مهم‌ترین وظیفهٔ معماری‌باشی مدیریت و رسیدگی بر مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی از وجه فنی بود. به بیان دیگر، آنها ناظر فنی مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی بودند. این از فرمان و حکم عبدالله‌خان، معماری‌باشی دربار محمدشاه، نیز پیداست. در این حکم که به سال ۱۲۵۵ ق مرقوم شده، تعمیر مجموعه‌ای از عمارات خارج شهر، «از قصر قاجار و امامزاده قاسم و قلعهک و ارغوانیه و نگارستان دلگشا و لاله‌زار و بهارستان» و نیز مجموعهٔ «باغات و عمارات داخل شهر و خانه‌های ضبطی

معماری‌ها به کار می‌رفت، به این نحو که گاه بعضی بناها را «به معماری» فلان معماری می‌خواندند. در این موارد، مراد مؤلفان از کاربرد این اصطلاح در واقع همان نظارت‌های کلان در امور فنی ساخت بناها بوده است. بنابر توصیف اعتمادالسلطنه، دارالفنون را میرزا رضا مهندس‌باشی طراحی کرد و «به معماری محمدتقی‌خان معماری‌باشی» ساخته شد.^{۱۱۶} در نمونه‌ای مشابه، او تعمیرات عمارت‌های کاخ گلستان به سال ۱۲۶۹ ق را «به معماری محمدتقی‌خان معماری‌باشی» توصیف کرد.^{۱۱۷} به سال ۱۳۰۰ ق، همو بنائیه‌های عظیم اندرونی کاخ گلستان را «به معماری حاجی ابوالحسن معماری‌باشی» خواند.^{۱۱۸} از جمله شواهد روشن‌گر در این باره، توصیف اعتمادالسلطنه از ساخت عمارت جاجرود است. به سال ۱۳۰۶ ق، او در *المآثر و الآثار* در توصیف عمارت جاجرود نوشت: «عمارت جدید به معماری معماری‌باشی، محمدابراهیم‌خان که حالا وزیر نظام است، در بیست سال قبل ساخته شد».^{۱۱۹} اگر به گزارش مورخ شعبان ۱۲۸۸ ق او رجوع کنیم، معنای این گزاره بهتر روشن می‌شود. در آن گزارش اعتمادالسلطنه دربارهٔ عمارت جاجرود نوشته است: «ارادة علیه ملوکانه به این تعلق یافت که قصری در نهایت رفعت و وسعت در جاجرود بنا شود»، بنابراین،

دستورالعمل و نقشه وضع آن به معماری‌باشی داده شد و در ظرف یک سال، عمارتی در نهایت شکوه و رفعت از جانب جنوب ساخته و پرداخته شد.^{۱۲۰}

مقایسهٔ این فقرات حاکی از آن است که محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی طراح بنا نبوده، بلکه طرح به او داده شده، و از آنجا که معماری نمی‌دانسته، صرفاً مسئولیت نظارت بر ساخت بنا را بر عهده داشته است. این تفسیر عیناً دربارهٔ شاهد نخست این بند، ناظر بر ساخته شدن دارالفنون «به معماری محمدتقی‌خان»، نیز صادق است.

سرکشی حضوری به ساخت‌وسازها و تعمیرات خرد و کلان جزء لاینفک کار معماری‌باشی‌ها بود. بنابر سند بدون تاریخی

به قدر ده نفر بنا و سی چهل نفر عمله و ناوه‌کش در امر گل‌کاری آنجا مشغول هستند. اگرچه استاد شیرجعفر معمار در آنجا نبود، لیکن آدمی که از مشارالیه در آنجا بود در توجه به کار سعی داشت. [...] اگرچه مقرب‌الخاقان معماری‌باشی در آنجا نبود، لیکن اسماعیل‌بیگ، نایب سرایدار باغ سلطنت‌آباد، در توجه داشتن به گل‌کاری باغ جدید غفلت ندارد.^{۱۱۴}

اهمیت سند فوق از آن روست که همهٔ مراتب کار معماری در آن ذکر شده است: عمله‌ها که تعدادشان از همهٔ عوامل بیشتر بوده کارهای ابتدایی همچون گل‌سازی را بر عهده داشته‌اند؛ بناها، یا همان معماران معمولی، به سبب تخصص بیشترشان در کار معماری تعدادشان از عمله‌ها کمتر بوده؛ شیرجعفر، که معمار طراز اول و استاد معمار بوده، در بالاترین سطح کار ساخت بنا را بر عهده داشته؛ و معماری‌باشی نیز عهده‌دار نظارت‌های فنی و مدیریتی بر روند ساخت بنا بوده است.

در ساخت‌وسازهای سلطنتی، معماری‌باشی‌ها بیشتر عهده‌دار امور عملی و فنی بودند. در یکی از فقره‌های شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی به وظیفه و مسئولیت معماری‌باشی‌ها اشاره کرده و در توضیح سازوکار معماری در دربار ناصری، پس از اشاره به منصب ریاست بنائیه، نوشته است:

بنائیه‌ای سلطنتی، چه از حیث پرداخت اجرت و کرایه مصالح از سر کوره تا پای کار و چه از حیث خرید لوازم، کار کمی نبود و رئیس درجه دومی هم لازم داشت که او را رئیس بناخانه می‌گفتند.^{۱۱۵}

در اینجا منظور عبدالله مستوفی از اصطلاح رئیس درجه دوم و رئیس بناخانه — اصطلاحی که اعتمادالسلطنه نیز در فهرست معماری‌باشی‌های دربار ناصری به کار برده — همان معماری‌باشی است. این شاهد به بهترین وجه حاکی از آن است که معماری‌باشی‌ها بیشتر عهده‌دار مدیریت امور عملی و فنی مربوط به ساخت‌وسازها بوده‌اند.

«معماری» از جمله اصطلاحاتی بود که در توصیف کار

۷۵. همو، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۱۰۲.

۷۶. *روزنامه شرف*، ش ۲ (صفر ۱۳۰۰ ق).

۷۷. «نامه‌ها و گزارشات به ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۱۸.

۷۸. *روزنامه شرف*، ش ۲۹ (رجب المرجب ۱۳۰۲ ق).

۷۹. ناصرالدین‌شاه، *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)*، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ حسین‌قلی نظام‌السلطنه مافی، *خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی*، ج ۱، ص ۱۱۳.

۸۰. نک: «تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین‌السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر»، ص ۲۹۶، ۳۰۰؛ ناصرالدین‌شاه، *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)*، ص ۱۹۰-۱۹۱، ۴۶۰.

۸۱. نک: ناصرالدین‌شاه، *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)*، ص ۱۲۸، ۲۲۸-۲۳۹، ۳۵۱، ۸۲. همان، ص ۱۶۰.

۸۳. همان، ص ۲۱۹؛ عبد‌امین، *نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه*، ص ۱۴۸.

۸۴. ناصرالدین‌شاه، *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)*، ص ۴۹۵.

۸۵. «متن تلگراف‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های مقامات حکومتی و لشکری به شاه، امین‌السلطان و سایرین»، ص ۲۹۶.

۸۶. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۵۶۳.

۸۷. عبد‌امین، همان، ص ۱۱۸.

- ۸۸ حسین محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه: جلد دوم، ص ۵۲۴-۵۲۵؛ عین السلطنه در خاطراتش به تفصیل مطالبی درباره مصادره اموال او پس از مرگش نوشته است (قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۳).
- ۸۹ روزنامه ایران، ج ۴، ص ۲۶۴۳.
- ۹۰ اعتمادالسلطنه، همان، ص ۹۱۱؛ سالور، همان، ۵۵۴-۵۵۵؛ ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق، ص ۳۶۱.
- ۹۱ سالور، همان.
- ۹۲ همان.
- ۹۳ اعتمادالسلطنه، همان، ص ۱۰۱۳.
- ۹۴ همو، المآثر والآثار، ص ۳۱۸.
- ۹۵ همو، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۱۱.
- ۹۶ نک: همو، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۲۹۳-۱۲۹۴ و ج ۳، ص ۲۱۱۵، ۲۱۳۹.
- ۹۷ «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه [۳]»، ص ۱۵۳-۱۵۵، ۱۶۳؛ تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز) ۱۲۹۵-۹۶، ص ۱۲۷.
- ۹۸ ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه.ق)، ص ۱۵۴.
- ۹۹ نک: «قبض‌های الواصل، صورت‌های جمع و خرج و امور مالی دربار ناصری و مظفری».

فن، به نقش معماران طراز اول در ساخت بناها میل کرد. به سال ۱۲۶۸ ق، محمدتقی‌خان معمارباشی مأمور ساخت انبار توپخانه، قراول‌خانه‌ها، و نیز کارخانه بلورسازی و چینی‌سازی شد.^{۱۳۱} این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. عمارت بادگیر و دریاچه جدید چهل‌ستون کاخ گلستان در ۱۲۷۷ ق^{۱۳۲}، دریاچه بزرگ میدان ارگ به سال ۱۲۸۱ ق^{۱۳۳}، بعضی بناهای میدان توپخانه به سال ۱۲۹۰ ق^{۱۳۴}، عمارت‌های مختلف جاجرود در سال‌های ۱۲۸۶-۱۲۹۱ ق^{۱۳۵}، و نیز دفترخانه کاخ گلستان به سال ۱۲۹۶ ق^{۱۳۶} از جمله بناهایی بود که ساختشان به محمدابراهیم‌خان معمارباشی واگذار شد. در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۳ ق نیز حاجی ابوالحسن معمارباشی عهده‌دار ساخت بناهایی در جاجرود،^{۱۳۷} سرخه حصار،^{۱۳۸} و شهرستانک^{۱۳۹} شد.

در موقعیت‌های معدودی، معمارباشی‌ها در طراحی بناها نیز دخالت می‌کردند و یا طرف مشورت قرار می‌گرفتند. البته طراحی بناها اصولاً جزو وظایف و مسئولیت‌های آنان نبود، بلکه رخدادی نادر و استثنایی بود. شواهد دال بر این امر، اگرچه اندک، بسیار مهم است. از نخستین این شواهد فرمان انتصاب عبدالله‌خان به منصب معمارباشیگری دربار محمدشاه به سال ۱۲۵۵ ق است که در آن به توانایی و استادی او در «نقاشی و طراحی بیوتات» اشاره شده است.^{۱۴۰} همچنین بنابر روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در ۱۳۰۳ ق، حاجی ابوالحسن معمارباشی طرح اولیه عمارت اندرونی سرخه حصار را در محضر او ریخته است.^{۱۴۱} گاه نیز معمارباشی‌ها صرفاً در طراحی بناها طرف مشورت بودند. بنابر یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه به سال ۱۲۸۳ ق، او با محمدابراهیم‌خان معمارباشی درباره طرح عمارت شهرستانک گفتگو کرده است.^{۱۴۲}

۳.۲. تعمیر و مرمت بناها

حفظ و مرمت بناها از کارهای همیشگی تشکیلات معماری دربار ناصری بود و معمارباشی‌ها بیش از آنکه به ساخت بناهای جدید

که به ح ۱۲۸۹-۱۲۹۰ ق باز می‌گردد، محمدابراهیم‌خان معمارباشی برای تحویل گرفتن خندق مابین دروازه شمیران و دوشان‌تپه به آنجا رفته و پس از بازدید از خرده‌کاری‌هایی ایراد گرفته است.^{۱۴۱} در سندی بدون تاریخ که احتمالاً به سال‌های ۱۲۹۵-۱۳۰۰ ق بازمی‌گردد، مؤلف نامه نوشته است:

سه ساعت به غروب مانده، وارد عمارت شده، معمارباشی و حاجی ابوالحسن را حاضر نموده، بنایی‌ها را سرکشی نموده، دستورالعمل لازمه صادر شد.^{۱۴۲}

اعتمادالسلطنه نیز در روزنامه خاطراتش به تاریخ رجب ۱۳۰۳ ق نوشته که به اتفاق حاجی ابوالحسن معمارباشی برای سرکشی به مشکلات مهندسی عمارت تلگراف‌خانه و میدان توپخانه رفته است.^{۱۴۳}

با آنکه مقام و منصب معمارباشی‌ها بیشتر نظارت‌های کلان و کلی را اقتضا می‌کرد، گاه رسیدگی به کوچک‌ترین کارها نیز به آنها محول می‌شد. بنابر خبر درج‌شده در روزنامه وقایع/تفاقیه به سال ۱۲۶۷ ق، معمارباشی بر پخت آجر نظارت داشته است.^{۱۴۴} ساخت حوضی در میدان ارگ^{۱۴۵}، مفروش کردن اتاق تالار اندرون خوابگاه با آجر^{۱۴۶}، ساخت دیوار اتاق نظام و پی‌کشی آن^{۱۴۷}، پیگیری ساخت ارسی‌های شمس‌العماره توسط نجار^{۱۴۸}، و نیز برداشتن ارسی‌های سمت نارنجستان شمس‌العماره^{۱۴۹} از جمله خرده‌کاری‌های محمدابراهیم‌خان معمارباشی در خلال سال‌های ۱۲۸۴-۱۲۹۲ ق است. این درباره معمارباشی‌های دیگر نیز صدق می‌کند. مثلاً، در ذی‌قعدة ۱۳۰۰ ق، حاجی ابوالحسن معمارباشی سخت درگیر نازک‌کاری‌های حرم‌خانه جدید کاخ گلستان بوده است.^{۱۵۰}

۲.۲. ساخت تک‌بناها

گاه نیز معمارباشی‌ها مأمور کارهای مربوط به ساخت تک‌بناها می‌شدند. در اوایل عصر ناصری این نقش بیشتر شبیه به مباشرت بود؛ اما با سر کار آمدن معمارباشی‌های زبده و صاحب

۱۰۰. «تلگراف و نامه‌های مظفرالدین قاجار، ظل‌السلطان، شمس‌الدوله، معتمدالحرم، سپهسالار، فرهادمیرزا، امین‌لشکر، احترام‌السلطنه، مستوفی‌الممالک»، ص ۲۵۳.
۱۰۱. «نامه‌ها، عرایض و گزارشاتی به ناصرالدین‌شاه»، ص ۲۱۹.
۱۰۲. نک: «تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان»، ص ۴۰۰، ۸۱.
۱۰۳. همان، ص ۳۱.
۱۰۴. «نامه‌های ظل‌السلطان، وزیر امورخارجه، صاحب اختیار، امین‌السلطان و مقامات کشوری و لشکری»، ص ۸۵.
۱۰۵. *روزنامه ایران*، ج ۴، ص ۳۰۷۸.
۱۰۶. سالور، همان، ص ۵۵۵-۵۵۶.
۱۰۷. نک: محمدشاه، «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاشخانه و خطاب‌خانی به عبدالله‌خان».
۱۰۸. نک: «نامه‌های سعید انصاری، فیروزمیرزا، عزیزخان مکری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۶، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲.
۱۰۹. «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۲۲۸.
۱۱۰. «متن تلگراف‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های مقامات حکومتی و لشکری به شاه، امین‌السلطان و سایرین»، ص ۲۹۶.
۱۱۱. «تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان»، ص ۷۱.

مأمور شوند، به تعمیر و مرمت بناهای موجود گماشته می‌شدند. به سال ۱۲۶۷ق «تجدید قلعه ارگ جدید دارالخلافه طهران» را عبدالله‌خان معمارباشی انجام داد.^{۱۴۳} در سال‌های ۱۲۶۸-۱۲۶۹ق تعمیر و مرمت دروازه‌های ارگ، تخته پل، بازارچه ارگ و دروازه‌ها^{۱۴۴}، باغ‌های لاله‌زار، نگارستان و قصر قاجار^{۱۴۵}، بعضی از بناهای درون و بیرون ارگ سلطنتی تهران^{۱۴۶}، و نیز کلاه‌فرنگی کاخ گلستان^{۱۴۷} به‌دست محمدتقی‌خان معمارباشی انجام شد. در سال‌های ۱۲۸۱-۱۲۹۸ق محمدابراهیم‌خان معمارباشی بارها و بارها تعمیر بناهای قصر قاجار^{۱۴۸}، باغ لاله‌زار، سلطنت‌آباد و سلیمانیه^{۱۴۹}، و نیز بخش‌های مختلف کاخ گلستان^{۱۵۰} را بر عهده داشت. این قبیل کارها بخشی از وظایف حاجی ابوالحسن معمارباشی هم بود. بنایی‌ها و تعمیرات دوشان‌تپه^{۱۵۱}، برج طغرل^{۱۵۲}، شهرستانک^{۱۵۳}، سرخه‌حصار^{۱۵۴}، اتاق موزه کاخ گلستان^{۱۵۵}، و عمارت انیس‌الدوله^{۱۵۶} در شمار کارهای او در خلال سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق بود.

۲.۴. گماشتن عاملان خرد بر سر کارها

همه این کارهای خرد و کلان اقتضا می‌کرد که معمارباشی‌ها کسانی را بر سر کار بگمارند. البته انتخاب عاملان اصلی با آنها نبود. مباشران و معماران طراز اول را آنها انتخاب نمی‌کردند، بلکه معمولاً توسط مقامی مافوق آنها همچون ناصرالدین‌شاه یا رؤسای بنایی انتخاب می‌شدند. با این حال، انتخاب بنایان و عمله‌ها و عواملی از این دست با آنها بود. از گزارش‌های *روزنامه وقایع اتفاقیه* در سال‌های ۱۲۶۸-۱۲۶۹ق پیداست که محمدتقی‌خان معمارباشی در مواضع و موقعیت‌های مختلف بناها و عمله‌هایی را بر سر کارهای معماری گماشته است.^{۱۵۷} در سند بدون تاریخ دیگری که به عهد ناصری بازمی‌گردد، مؤلف نامه نوشته که همه روزه از اول آفتاب، مقرّب الخاقان، حاجی *** معمارباشی، با مباشرین و نویسندگان در سر بنایی‌ها حاضر شده و بنا و عمله‌جات زیادی گذاشته، مشغول بنایی هستند.^{۱۵۸}

۲.۵. رسیدگی و نظارت بر امور مالی ساخت‌وسازها

از دیگر وظایف معمارباشی‌ها برآورد ساخت‌وسازها و تعمیرات و نیز تحویل کارها بر مبنای این محاسبات بود. از آنجاکه معمارباشی‌ها احتمالاً باسواد بودند و به‌هرحال با ظرایف ساخت‌وسازها آشنایی داشتند، این قبیل برآوردها به آنها محول می‌شد. در سندی که به حدود سال‌های ۱۲۸۲-۱۲۸۳ق بازمی‌گردد، مؤلف نامه خطاب به ناصرالدین‌شاه نوشته:

نقشه به جهت ساختن تلگراف‌خانه اعتضادالسلطنه کشیده به نظر انور همایون رسانیده بود. به معمارباشی سفارش نمود که به قدر کفایت تلگرافچیان انگلیس و آنها برآوردی نماید، ببیند چند تمام می‌شود.^{۱۵۹}

در ح ۱۲۸۶ق، معمارباشی مأمور بازدید از جاجرود و برآورد بناهای آنجا شد.^{۱۶۰} بنابر سند بدون تاریخ دیگری نیز که به عهد ناصری بازمی‌گردد، معمارباشی برای برآورد اخراجات سربازخانه‌ها فرستاده شده است.^{۱۶۱} از سوی دیگر، معمارباشی‌ها گاه ملزم بودند که درنهایت، پس از فرایند ساخت و تعمیر، بنایی‌ها را بر مبنای طومار برآورد تحویل دهند. به سال ۱۲۹۱ق دو مستوفی بنایی‌های سالانه را بر طبق طومارهای برآورد تحویل معمارباشی دادند و او نیز متعهد شد که درنهایت بنایی‌ها را بر مبنای همان طومار برآورد تحویل دهد.^{۱۶۲}

معمارباشی‌ها گاه نیز مسئول تأمین منابع مالی و پرداخت مخارج مربوط به خرید مصالح و حق‌الزحمه معماران و بنایان و عمله‌ها بودند. محل و شیوه تأمین این هزینه‌ها متغیر بود و این معضل گاه فرایند تأمین منابع مالی را پیچیده می‌کرد. در نامه‌ای بدون تاریخ که بین سال‌های ۱۲۹۱-۱۳۰۶ق خطاب به شاه نوشته شده، مؤلف نامه به این مسائل اشاراتی کرده است.^{۱۶۳} در بسیاری از مواقع، مشکلات مالی مربوط به ساخت بناها سبب مناقشات و اختلاف‌هایی بین معمارباشی و دیگر عاملان ساخت‌وسازها می‌شد. در سندی بدون تاریخ، که به ح ۱۲۹۵-۱۲۹۶ق بازمی‌گردد، معمارباشی به سبب مشکلات

۱۱۲. روزنامه ایران، ج ۳، ص ۱۷۸۸.
۱۱۳. «گزارش‌های مختلف حکام ولایات به امین‌السلطان و ناصرالدین شاه»، ص ۲۱۸.
۱۱۴. «نامه‌های ولیعهد، اصفالدوله، مخبرالدوله، مستوفی‌الممالک، معیرالممالک، فیروزمیرزا، امین‌الملک، مویدالدوله، دبیرالملک، حشمت‌الدوله به شاه»، ص ۲۳۶.
۱۱۵. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸.
۱۱۶. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱۹.
۱۱۷. همو، المآثر و الآثار، ص ۹۴.
۱۱۸. نک: روزنامه شرف، ش ۲ (صفر ۱۳۰۰ق).
۱۱۹. اعتمادالسلطنه، همان، ص ۸۶.
۱۲۰. روزنامه ایران، ج ۱، ص ۲۰۵.
۱۲۱. نک: «گزارش اتمام کار خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه و درخواست تحویل کار و دریافت قبض/ دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه»، ص ۳-۴.
۱۲۲. «دفتر نوشتجات متفرقه»، ص ۱۶۱.
۱۲۳. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۴۲۹.
۱۲۴. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۹۶.
۱۲۵. ممتحن‌الدوله، خاطرات ممتحن‌الدوله، ص ۱۷۱-۱۷۲.
۱۲۶. ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷، ص ۳۸۹.
۱۲۷. «دستور بنایی در دوشان‌تپه، واگذاری ساختن دیوار اطلاق نظام به معمار دیگری به جز معمارباشی»، ص ۳.

مسئول برخی کارهای معماری دیگر بود. در رجب ۱۲۶۷ق عمارات دیوانی کل ممالک محروسه را به حاجب‌الدوله واگذار کردند تا برای هریک از آنها مستحفظ و سرایدار و معمار معین کند و آنها را همیشه پاکیزه نگاه دارد.^{۱۶۸} بنا بر گزارش اعتمادالسلطنه، که آمیخته با اغراق به نظر می‌رسد، «اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه» را به پدرش، علی‌خان حاجب‌الدوله، دادند.^{۱۶۹} بنابراین، در آن سال‌ها مسئولیت مجموعه ساخت‌وسازها بر عهده معمارباشی و فراش‌باشی بوده است. با این حال، حوزه وظایف و مسئولیت‌های دارندگان این دو منصب چنان در هم آمیخته بوده که امروزه تفکیک آنها از یکدیگر پیچیده و دشوار است. ظاهراً این دو منصب هم‌تراز بوده‌اند و دارندگانشان بر دو وجه مختلف کارهای معماری نظارت داشته‌اند. فراش‌باشی‌ها بیشتر نگهداری از بناهای موجود^{۱۷۰} و معمارباشی‌ها عمدتاً کارهای مربوط به ساخت‌وساز بناهای جدید و تعمیر بناهای قدیمی را بر عهده داشته‌اند. پس از درگذشت محمدتقی‌خان معمارباشی، «منصب معمارباشیگری و اداره بنایی کل ممالک محروسه» به محمدابراهیم‌خان معمارباشی واگذار شد و او در خلال سال‌های ح ۱۲۷۷- ح ۱۲۹۸ق عهده‌دار این منصب بود.^{۱۷۱} بنا بر گزارش اعتمادالسلطنه در روزنامه شرف، علاوه بر منصب معمارباشیگری، «اداره بنایی کل ممالک محروسه» نیز بر عهده محمدابراهیم‌خان بوده است. او بیش از همه هم‌قطارانش و بیش از ۲۰ سال عهده‌دار منصب معمارباشیگری بود.

در برهه طولانی تصدی او بر این منصب، رخدادهای مهمی در تشکیلات معماری دربار ناصری رخ داد. به سال ۱۲۸۳ق نقش مباشرت در سازوکار معماری دربار پدید آمد. در خلال سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۸۳ق مباشرت هنوز نقشی متمایز و مجزا نشده نبود، بلکه بیشتر بر عهده معمارباشی‌ها یا فراش‌باشی‌ها بود. در ۱۲۸۳ق فصل مهمی در تشکیلات معماری دربار آغاز شد؛ زیرا با واگذار کردن «بعضی بنائی فرمایشی مخصوص» به

تأمین منابع مالی، شکایت خود را طرح کرده است.^{۱۶۴} این قبیل مناقشات و کشمکش‌ها میان رئیس بنایی، معمارباشی، شاه، مستوفیان و مباشران در دسته‌ای از اسناد به سال ۱۲۹۱ق نیز منعکس شده است.^{۱۶۵}

۳. سیر تحول و تطور

مدیریت و نظارت فنی بر همه ساخت‌وسازهای سلطنتی وظیفه اصلی و وجه مشترک همه معمارباشی‌های دربار ناصری بود. با این حال، به فراخور موقعیت‌های مختلف و با مرور زمان این منصب متحول شد. پدید آمدن نقش مباشرت، منصب ریاست بنایی و اهمیت یافتن معماران درجه اول از عوامل مؤثر در این امر بود.

نخستین معمارباشی دربار ناصری، به روایتی، عبدالله‌خان بود. او که در واقع معمارباشی دربار فتحعلی‌شاه و محمدشاه بود، در نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز چندی بر سر کار ماند. با انتصاب به این سمت در سال ۱۲۵۵ق، عبدالله‌خان شأن و جایگاهی ممتاز در بین همه پیشه‌وران دربار محمدشاه یافت و مقرر شد

نقاشان و معماران و مهندسان و میناکاران و نجاران و حجاران و فخاران و شیشه‌بران و حدادان و سرایداران و باغبانان و مقنّبان و *** عالیجاه مشارالیه را، کمافی السابق، باشی بالاستقلال خود دانسته، از سخن و صواب‌دید او تجاوز ننمایند.^{۱۶۶}

بنا بر قراین بسیار، به معمارباشی‌های دربار ناصری هیچ‌گاه چنین شأن و منزلت و حوزه اختیاراتی عطا نشد.

پس از عبدالله‌خان و شاید چند سالی دوشادوش او، محمدتقی‌خان در حدود سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۷۷ق عهده‌دار منصب معمارباشیگری در دربار ناصری بود. بر مبنای گزارش اعتمادالسلطنه، او «منصب معمارباشیگری و اداره کل تعمیرات عمارات سلطنتی ممالک محروسه» را بر عهده داشت.^{۱۶۷} تقریباً هم‌زمان با او، علی‌خان حاجب‌الدوله نیز به عنوان فراش‌باشی

۱۲۸. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۳۴.
۱۲۹. «گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنائی قصر عاج و شمس‌العماره ۲۷/ محرم / ق ۱۲۹۲».
۱۳۰. عبد‌امین، نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه، ص ۲۳۱-۲۳۲.
۱۳۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۶.
۱۳۲. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۲۹.
۱۳۳. همان، ج ۲، ص ۷۳۳.
۱۳۴. ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر اول فرنگستان، ص ۳۹۳.
۱۳۵. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۱۱۸۶؛ «دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معمارباشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و... در جاجرود».
۱۳۶. روزنامه ایران، ج ۲، ص ۱۶۰۱.
۱۳۷. ناصرالدین‌شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری)، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ حسین‌قلی نظام‌السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۳۸. ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۲۳۸.
۱۳۹. همان، ص ۴۶۰.
۱۴۰. نک: محمدشاه، همان.
۱۴۱. ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۲۳۹، ۳۵۱.
۱۴۲. همو، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ ق، ص ۲۴.

دوست‌علی‌خان معیرالممالک، بخشی از کارها از عهده‌دارندگان منصب فراش‌باشی خارج شد.^{۱۳۲} این نخستین بار در عصر ناصری بود که کارهای معماری به شخصی جز معمارباشی و فراش‌باشی واگذار می‌شد، رخدادی که سرآغاز شکل‌گیری نقش مباشرت بود. مباشر کسی بود که پیگیری کارهای مربوط به یک بنای خاص را، از جنبه‌ی مدیریتی و دیوانی، بر عهده داشت و در دیگر امور مداخله نمی‌کرد. از این رو، مباشرت منصبی رسمی و دائمی نبود، بلکه نقشی موقتی بود که در فرایند ساخت هر بنا به اشخاص مختلف داده می‌شد.^{۱۳۳}

تغییر مهم دیگر تشکیلات معماری دربار ناصری، در برهه‌ی معمارباشی‌گری محمدابراهیم‌خان، شکل‌گیری منصب ریاست بنائی^{۱۳۴} در خلال سال‌های ۱۲۸۸-۱۲۹۰ ق بود. ناصرالدین‌شاه که از فساد نهادینه و ناتوانی عاملان در مدیریت مجموعه کارهای معماری به تنگ آمده بود، به شخصی نیاز داشت که همه‌ی ساخت‌وسازها را یک‌جا زیر نظر بگیرد. گزارش فسادهای عاملان معماری، از جمله معمارباشی‌ها^{۱۳۵}، پیاپی به او می‌رسید و جای خالی منصبی که مانع این تخلف‌ها و فسادها شود روزبه‌روز آشکارتر می‌شد. از این رو، ناصرالدین‌شاه به سال ۱۲۹۱ ق علاءالدوله را به ریاست بنائی منصوب کرد تا بر همه‌ی ساخت‌وسازها نظارت و رسیدگی کند.^{۱۳۶} بنابر فرمان انتصاب علاءالدوله، ناصرالدین‌شاه می‌خواست یک نفر مسئول رسیدگی به همه‌ی بنائی‌ها باشد تا بتواند او را از بابت صحت و درستی کارها مؤاخذه کند. به علاوه، علاءالدوله مسئول رسیدگی به فساد کارهای معماری پیشین هم شد که در عهده‌ی کسانی چون محمدابراهیم‌خان معمارباشی، معیرالممالک، و محمدخان حاجب‌الدوله بود. اگرچه او هیچ‌گاه با عنوان رئیس بنائی خوانده نشد، در عمل نخستین دارنده‌ی این منصب در دربار ناصری بود. علاءالدوله که «اداره‌ی فراش‌خانه‌ی مبارکه و باغات و عمارات دولتی» را بر عهده داشت، در واقع فراش‌باشی دربار بود، اما فراش‌باشی‌ای که گستره‌ی وظایف و مسئولیت‌هایش با هیچ‌یک از اسلافش قیاس‌کردنی نبود.

در انتصاب علاءالدوله، به تعبیری، منصب فراش‌باشی‌گری به ریاست بنائی استحاله یافت. وظیفه‌ی اصلی رؤسای بنائی مدیریت مجموعه‌ی ساخت‌وسازهای سلطنتی از حیث کارهای دیوانی بود. اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار فهرست این اشخاص را در ذیل عنوان «اعضای اداره‌ی بنائی دیوان اعلی» برشمرده است:

محمدتقی‌خان معمارباشی، حاج علی‌خان حاجب‌الدوله، حاج محمدخان حاجب‌الدوله^{۱۳۷}، میرزا زکی ضیاءالملک، علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه، محمودخان ناصرالملک، یحیی‌خان معتمدالملک (مشیرالدوله)، آقا ابراهیم‌خان امین‌السلطان، و میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان.^{۱۳۸}

مسئولیت رؤسای بنائی و معمارباشی‌ها از حیث نظارت هم‌زمان بر مجموعه‌ی ساخت‌وسازهای سلطنتی مشابه بود، با این تفاوت که رؤسای بنائی بیشتر از لحاظ امور دیوانی بر کارها نظارت داشتند و معمارباشی‌ها از حیث امور فنی.

محمدابراهیم‌خان در طول برهه‌ی معمارباشی‌گری خود با عوامل معماری مختلفی در ارتباط بود. تقریباً هم‌زمان با او، محمدخان حاجب‌الدوله به فراش‌باشی‌گری منصوب شد و در خلال سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۸۶ ق اندک وظایفی را در تشکیلات معماری دربار ناصری بر عهده گرفت. در خلال سال‌های ۱۲۸۳-۱۳۰۰ ق برخی رؤسای بنائی و مباشران همچون معیرالممالک، علاءالدوله، و امین‌السلطان به موازات او بر ساخت‌وسازها نظارت می‌کردند. به علاوه، در سال‌های ۱۲۹۵-۱۳۰۰ ق بیشتر کارهای معماری در عمل به دست دو معمار طراز اول، حاجی ابوالحسن و حسین‌علی‌خان، افتاد که با عنوان‌هایی چون «معمار مخصوص» و «رئیس معماران» خوانده می‌شدند.^{۱۳۹}

از میانه‌ی دهه‌ی ۱۲۸۰ ق تا ۱۳۰۰ ق، سه تغییر مهم در تشکیلات معماری دربار به تدریج از قدرت و سیطره‌ی محمدابراهیم‌خان معمارباشی کاست: شکل گرفتن نقش مباشرت در اواسط دهه‌ی ۱۲۸۰ ق، پدید آمدن منصب ریاست بنائی در ح ۱۲۹۰ ق، و نیز سپردن کارهای معماری به استادان معمار در نیمه‌ی دوم

۱۴۳. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۰؛ همو، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱۵؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۷۶.

۱۴۴. همان، ص ۳۴۴.

۱۴۵. نک: همان، ج ۱، ص ۳۷۵ - ۳۷۶؛ روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۷۰۷.

۱۴۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۷۶۳.

۱۴۷. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۴.

۱۴۸. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۷۰۷.

۱۴۹. نک: «نامه‌های سعید انصاری، فیروز میرزا، عزیزخان مکر، نیرالملک، مستوفی الممالک»، ص ۱۶، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲.

۱۵۰. نک: ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷، ص ۳۸۹؛ «ساخت خیابان‌ها و عمارت ارگ سلطنتی»؛ «اسناد دارالخلافه تهران - دفاتر مکمل»؛ ناصرالدین شاه، سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶ - ۱۳۰۹ ه.ق.)، ص ۷۵؛ «گزارشی به ناصرالدین شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنایی قصر عاج و شمس العماره / ۲۷ محرم / ق ۱۲۹۲»؛ «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۵۹۶؛ «درخواست اجازه از شاه درباب انجام تعمیرات دیوانخانه و تخت مرمر / دستخط ناصرالدین شاه در این زمینه».

بالین حال، این مقارنت چندان هم به ضرر حاجی ابوالحسن نبود. امین‌السلطان مدیریت کارهای دیوانی ساخت‌وسازها را بر عهده داشت و حاجی ابوالحسن بیشتر به لحاظ معماری و فنی در کارها دخالت می‌کرد. به علاوه، در بسیاری موارد، امین‌السلطان کارها را به مقاطعه به او می‌سپرد.^{۱۸۱}

پس از درگذشت حاجی ابوالحسن معمارباشی به سال ۱۳۰۵ق، به تصویب امین‌السلطان، منصب معمارباشیگری و «اداره معمارخانه و بنایی دولت علیه» به حاجی حسین‌علی، داماد حاجی ابوالحسن، واگذار شد و او تا سال ۱۳۱۱ق عهده‌دار این منصب بود.^{۱۸۲} حسین‌علی‌خان معمارباشی نیز همچون سلفش معماری می‌دانست، اما به قدر او پرکار نبود. درواقع، شمار ساخت‌وسازها در سال‌های پایانی حکومت ناصرالدین شاه عملاً چنان اندک بود که حسین‌علی‌خان مجالی برای عرض اندام نیافت. پس از فوت او به سال ۱۳۱۱ق، سرنوشت منصب معمارباشیگری در حاله‌ای از ابهام است. بنابر احتمالی ضعیف، این منصب را به برادرزاده او سپردند، اما به احتمال قوی‌تر، معمارباشی دیگری در دربار ناصری بر سر کار نیامد.

۴. نتیجه‌گیری

تشکیلات معماری دربار ناصری در آغاز غیرمنسجم و نامنظم بود، اما به مرور قوام یافت. در ابتدای عصر ناصری، مناصب و نقش‌ها محدود بود و حیطة وظایف و مسئولیت‌های اشخاص چندان مشخص نبود، اما در طی سال‌ها، با انباشت تدریجی تجربه‌ها و سنت‌های ساخت و نیز افزایش ساخت‌وسازها، به تدریج ساختاری سلسله‌مراتبی شکل گرفت که خلأ ناشی از آن بی‌نظمی‌ها و بی‌گونی را تا حدی جبران می‌کرد. در انتهای این برهه، تشکیلات معماری دربار ناصری پنج رأس اصلی داشت: شاه، رئیس بنایی، معمارباشی، مباشر، و معمار. در رأس این تشکیلات، ناصرالدین شاه بود که بر همه ساخت‌وسازها سیطره داشت. در مرتبه‌ای فروتر، رؤسای بنایی و معمارباشی‌ها

دهه ۱۲۹۰ق. این سه رویداد باعث شد که مداخله‌های او در کارهای معماری به تدریج کمتر شود و کارها به دست رقبایی چون رؤسای بنایی و مباشران و معماران طراز اول بیفتند. در ۱۳۰۰ق، محمدابراهیم‌خان رسماً از منصب معمارباشیگری کناره گرفته بود.

معمارباشی بعدی حاجی ابوالحسن بود که در خلال سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق این منصب را بر عهده داشت. پس از عبدالله‌خان که ظاهراً در کار معماری تبحر داشت، حاجی ابوالحسن نخستین معمارباشی مسلط بر هر دو جنبه مدیریتی و عملی معماری در دربار ناصری بود. دو معمارباشی پیش از او، یعنی محمدتقی‌خان و محمدابراهیم‌خان، ظاهراً از علم و عمل معماری بی‌بهره یا کم‌بهره بودند. حاجی ابوالحسن معماری طراز اول بود؛ بنابراین خود نیز گاه‌به‌گاه در مراحل مختلف کار معماری، از طراحی تا اجرا، دخالت می‌کرد. پس از درگذشت او، اعتمادالسلطنه در وصفش نوشت: «فی الواقع معمار قابل بود».^{۱۸۰}

حاجی ابوالحسن برخلاف اسلاف و اخلافش هیچ‌گاه لقب خانی نیافت، بلکه به صنایع‌الملکی ملقب شد. اعطای لقب «صنایع‌الملک» به او سرشار از معنی است. پیش از او، این لقب از آن نقاش و صنعتگری چون ابوالحسن‌خان غفاری بود. ملقب کردن حاجی ابوالحسن به صنایع‌الملکی به معنای تلقی خاصی از معمارباشی به‌منابۀ صنعتگری هنرمند بود و به توانایی او در کار معماری دلالت داشت. معمارباشی بعدی، حسین‌علی‌خان، نیز صنایع‌الملک لقب گرفت؛ زیرا او نیز همچون حاجی ابوالحسن معماری می‌دانست و در این فن استاد بود.

برهه معمارباشیگری حاجی ابوالحسن مصادف بود با ریاست بنایی علی‌اصغرخان امین‌السلطان که قدرتمندترین رئیس بنایی در دربار ناصری و در شمار پرنفوذترین درباریان در دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه بود. در موازنه قدرت میان این دو نفر، البته کفه ترازو به سمت رئیس بنایی سنگینی می‌کرد.

مسئولیت‌هایش با معماری‌اش، بدیل و رقیبی جدی برای او محسوب می‌شد. به‌علاوه، قدرت یافتن استادان معمار در اواخر دهه ۱۲۹۰ ق رفته‌رفته معماری‌اش را به حاشیه راند. با این تحولات، منصب معماری‌اشیگری از تشکیلات معماری دربار حذف نشد، بلکه از حالتی به حالت دیگر تغییر کرد. از ۱۳۰۰ ق به بعد معماری‌اشیگری بر سر کار آمدند که علاوه بر نظارت‌های فنی کلان بر مجموعه ساخت‌وسازها، در عمل نیز خیره و ماهر بودند و می‌توانستند مجموعه کارهای معماری را به‌مثابه یک معمار طراز اول برنامه‌ریزی و هدایت کنند. البته وظیفه اصلی آنها همچنان مدیریت مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی بود، اما با نگرش معمارانه غنی‌تر در مسائل فنی و عملی.

سال ۱۳۰۰ ق نقطه عطفی در تشکیلات معماری دربار ناصری بود؛ زیرا پس از سال‌ها، منصب معماری‌اشیگری به‌دست معماران اهل فن افتاد. پیش از آن، معماری‌اشیگری بیشتر به‌مثابه مدیر نگر بسته می‌شدند. از این‌رو بود که در سه دهه نخست عصر ناصری، اشخاصی چون محمدتقی‌خان و محمدابراهیم‌خان عهده‌دار منصب معماری‌اشیگری بودند که در عمل معماری نمی‌دانستند. در ۱۳۰۰ ق، این طرز تلقی از معماری‌اشیگری تغییر کرد. در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۱۱ ق دو معماری‌اشیگری دربار ناصری، حاجی ابوالحسن و حسین‌علی‌خان، «صنیع‌الملک» لقب گرفتند که بر تبخیر آنها در صنعت معماری دلالت داشت. اعطای لقب صنیع‌الملکی به این دو معمار زبده به معنای چرخشی در رویه انتصاب معماری‌اشیگری بود. در واقع، پس از سال‌ها که منصب معماری‌اشیگری در اختیار مدیران بود، این سمت به‌دست معماران زبده افتاد.

در طی پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، سازوکار معماری دربار از حیث دیوان‌سالاری به تدریج منسجم‌تر و پخته‌تر شد. در این برهه، به تدریج نقش‌ها و منصب‌ها از یکدیگر متمایز شد و تشکیلات معماری نظم و نسق بهتری یافت. همراه با این تحولات و در نسبت با دیگر نقش‌ها و مناصب، منصب

بر «مجموعه» ساخت‌وسازها نظارت داشتند. در ساخت تک‌بناها نیز بیشتر کارها، بیشتر کارها بر عهده مباشران و معماران بود. ریاست بنایی و معماری‌اشیگری «منصب»‌های رسمی درباری به‌حساب می‌آمدند، اما مباشرت و معماری^{۱۸۳} در واقع «نقش»‌هایی بود که بر عهده اشخاص مختلف گذاشته می‌شد و از یک کار معماری به کار دیگر تغییر می‌کرد.

در این تشکیلات نقش معماری‌اشیگری‌ها منحصربه‌فرد بود. ناصرالدین‌شاه که شیفته بناهای جدید بود، پیاپی فرمان به ساخت بناهای جدید می‌داد. حتی اگر بنای جدیدی ساخته نمی‌شد، تقریباً هر سال بناهای پیشین نیازمند مرمت و بازسازی بود. از این‌رو، در دربار ناصری همیشه ساخت‌وسازهای سلطنتی متعددی به‌موازات هم در جریان بود. کثرت این کارها اهمیت منصب معماری‌اشیگری را افزون می‌کرد، چه همواره به شخصی نیاز بود تا هم‌زمان بر همه این ساخت‌وسازها و پیشرفت آنها رسیدگی کند.

از آنجاکه شرح وظایف معماری‌اشیگری‌ها به‌صورت مدون و مکتوب در جایی ذکر نشده بود، به‌حسب شرایط تغییر می‌کرد. مهم‌ترین کار معماری‌اشیگری‌ها نظارت فنی بر مجموعه ساخت‌وسازها بود، اما آنها کارهای دیگری نیز انجام می‌دادند، از برآورد ساخت‌وسازها و تعمیرات تا خرده‌کاری‌های مختلف. در ابتدای عصر ناصری، هنگامی که عبدالله‌خان و محمدتقی‌خان معماری‌اشیگری در مصدر کار بودند، ساخت‌وسازهای سلطنتی اندک و تشکیلات معماری دربار هنوز بی‌شکل بود. به‌مرور و با گذر سال‌ها، با کثرت یافتن کارهای معماری، مناصب و نقش‌های جدید پدید آمد و تشکیلات معماری دربار قوام یافت.

پدید آمدن نقش‌ها و منصب‌های جدید تغییراتی در منصب معماری‌اشیگری ایجاد کرد. شکل گرفتن نقش مباشرت، پدید آمدن منصب ریاست بنایی، و نیز اهمیت یافتن معماران طراز اول در دهه‌های ۱۲۸۰-۱۳۰۰ ق تغییرات مهمی بود که مسیر منصب معماری‌اشیگری را تغییر داد. رئیس بنایی، به رغم تفاوت

۱۵۱. «نامه‌ها و گزارشات به ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۱۸؛ ناصرالدین‌شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری، ص ۱۶۰.
۱۵۲. نک: روزنامه شرف، ش ۲۹ (رجب المرجب ۱۳۰۲ ق).
۱۵۳. نک: «تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین‌السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر»، ص ۲۹۶، ۳۰۰؛ ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۱۹۰-۱۹۱، ۴۶۰.
۱۵۴. ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۱۲۸.
۱۵۵. همان، ص ۴۹۵.
۱۵۶. عبد‌امین، همان.
۱۵۷. نک: روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۷۵، ۳۷۶-۳۷۳.
۱۵۸. «روزنامه‌چه‌ها، کتابچه‌ها و اسناد متفرقه در خصوص امور کشوری و لشکری و اجتماعی مربوط به دوره ناصری و مظفری»، ص ۳-۴.
۱۵۹. «نامه‌های عزیزخان مکری، سعید انصاری، عین‌الملک، حسام‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، مشیرالدوله، و سپهسالار به شاه»، ص ۳۴۶.
۱۶۰. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۱۸۶؛ «دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معماری‌اشیگری و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و... در جاجرد».
۱۶۱. «نامه‌های ولیعهد، آصف‌الدوله، مخبرالدوله، مستوفی‌الممالک، معیرالممالک، فیروز میرزا، امین‌الملک، مویدالدوله، دبیرالملک، حشمت‌الدوله به شاه»، ص ۴۹۴.

دیوان سالارانه را می‌توان از جمله نشانه‌های تجدد در تشکیلات معماری دربار ناصری در نظر گرفت.

معماری‌اشیگری نیز به تدریج قوام و وضوح بیشتری یافت و از منصبی مدیریتی به منصبی فنی تغییر کرد. این تحولات

منابع و مأخذ

۱۶۲. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۹۶.

۱۶۳. «دستخط‌های ناصرالدین‌شاه، نامه‌ها و عرایض مقامات حکومتی، زنان، رعایا و سایرین به شاه»، ص ۱۲۰.

۱۶۴. «تلگراف و نامه‌های مظفرالدین قاجار، ظل‌السلطان، شمس‌الدوله، معتمد الحرم، سپهسالار، فرهاد میرزا، امین لشکر، احترام‌السلطنه، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۷.

۱۶۵. نک: «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۲۲، ۳۲۴، ۱۶۶. نک: محمدشاه، همان: ایرج افشار، همان.

۱۶۷. نک: روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).

۱۶۸. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۸۱.

۱۶۹. اعتمادالسلطنه، *مرآة البلیان*، ج ۲، ص ۱۰۵۷.

۱۷۰. این را می‌توان از حکم انتصاب علی‌خان حاجب‌الدوله در ۱۲۶۷ق استنباط کرد. به‌علاوه، در فرمان ۱۲۷۶ق ناصرالدین‌شاه خطاب به محمدخان حاجب‌الدوله، فراش‌باشی بعدی، این امر به‌صراحت بیشتر ذکر شده است: «حفظ و حراست جمیع ابنیه و عمارات سلطانی را که در ممالک محروسه می‌باشند و تعمیرات آنها را به عهده مراقبت و اهتمام مشارالیه محول و مرجوع فرمودند که به هر جا، هر کس را که شایسته و سزاوار داند مباشر و سرکار و سرایدار معین نموده، جمیع عمارات سلطانی را که در هر یک از بلاد ممالک محروسه باشد آباد و معمور دارد» (روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۵۲۸).

امین‌الملک، طولوزان، امیر نظام، عضدالدوله، عزالدوله و نایب‌السلطنه». ۲۹۵ / ۸۰۹۹. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان». ۲۹۵ / ۸۰۵۰. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۹۵ق.

«تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به‌دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان». ۸۰۲۲ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین‌السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر». ۲۹۵ / ۷۷۸۰. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۰۲-۱۳۰۳ق.

«تلگراف‌های مظفرالدین‌میرزا، مخبرالدوله، صدر اعظم، سپهسالار، امین‌السلطان و غیره». ۲۹۵ / ۷۶۷۲. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی. *تاریخ ذوالقرنین*. ویرایش ناصر افشارفر. ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.

«درخواست اجازه از شاه در باب انجام تعمیرات دیوانخانه و تخت مرمر / دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه». ۲۹۶ / ۱۶۸۲. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستخط ناصرالدین‌شاه به مستوفی‌الممالک در خصوص واگذاری عمل بنایی ساختمان‌های دولتی به علاءالدوله». ۲۹۶ / ۶۴۶۸. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستخط‌های ناصرالدین‌شاه، نامه‌ها و عرایض مقامات حکومتی، زنان، رعایا و سایرین به شاه». ۲۹۵ / ۷۷۷۹. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستور بنایی در دوشان‌تپه، واگذاری ساختن دیوار اطاق نظام به معمار دیگری به‌جز معمارباشی». ۲۹۶ / ۱۵۷۴. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معمارباشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و ... در جاجرود». ۲۹۶ / ۱۶۰۰. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

احمدمیرزا قاجار. *تاریخ عضدی*. ویرایش عبدالحسین نوائی. تهران: علمی، ۱۳۷۶.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه: جلد اول: المآثر و الآثار*. ویرایش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

_____ . *تاریخ منتظم ناصری*. ویرایش محمداسماعیل رضوانی. ج ۳. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳-۱۳۶۷.

_____ . *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری از روی یگانه نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس*. ویرایش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.

_____ . *مرآة البلدان*. ویرایش عبدالحسین نوائی و هاشم محدث. ج ۴. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۷.

افشار، ایرج. «فرمان محمدشاه برای معمارباشی دربار». در *راهنمای کتاب*، ش ۱۷ (۱۳۵۳)، ص ۱۷۹-۱۸۰.

بامداد، مهدی. *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. ج ۶. تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار، ۱۳۴۷.

برادران، زهره. *تأملی در اصناف و شیون معماران دوره قاجاریه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

بزرگ‌نیا، زهره. *معماران ایران: از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۳.

بنجامین، ساموئل گرین ویلر. *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه*. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴.

«تلگراف و نامه‌های مظفرالدین قاجار، ظل‌السلطان، شمس‌الدوله، معتمد الحرم، سپهسالار، فرهاد میرزا، امین لشکر، احترام‌السلطنه، مستوفی‌الممالک». ۲۹۵ / ۸۰۹۸. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگراف و نامه‌های ولیعهد، سپهسالار، اعتضادالدوله، امین اقدس، معزالدوله، ظل‌السلطان، اعتماد حضور، امیر نظام». ۲۹۵ / ۸۰۷۰. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگراف و نامه‌های ولیعهد، ظل‌السلطان، مستوفی‌الممالک، امین‌السلطان،

«دستور شاه به علاءالدوله مبنی بر دادن وجه به معمارباشی و حاجی ابوالحسن». ۱۳۹۰/۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دفتر نوشتجات متفرقه». ۱۳۶۸/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۰۰-۱۳۱۷ق.

ذکاء، یحیی. «معماران، استادکاران دوران اسلامی». در محمدیوسف کیانی، معماری ایران (دوره اسلامی)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷، ص ۴۴۱-۴۶۳.

_____ . تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹.

«روزنامه‌چه‌ها، کتابچه‌ها و اسناد متفرقه در خصوص امور کشوری و لشکری و اجتماعی مربوط به دوره ناصری و مظفری». ۱۳۹۴/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

روزنامه ایران. ۵ج. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۴.

روزنامه دولت علیه ایران. ۲ج. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.

روزنامه شرف شماره‌های ۱ تا ۸۷ از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ هجری قمری و شرافت شماره‌های ۱ تا ۶۶ از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ ه.ق. ویرایش مجید رهنما. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳*۱۳.

روزنامه وقایع اتفاقیه. ۴ج. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.

«ساخت خیابان‌ها و عمارت ارگ سلطنتی». ۱۳۹۵/۲۱۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۸۶ق.

سالور، قهرمان میرزا. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. ۱۰ج. ویرایش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ تاریخ قاجاریه. ۲ج. ویرایش جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.

تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز) ۱۲۹۵-۹۶. ویرایش محمود طاهر احمدی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰.

عبد امین، مجید. نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه: مجموعه‌ای از عرایض، متضمن اوامر شاه به امین‌السلطان، میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ قمری. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۷.

فرهاد میرزا قاجار. زنبیل. ویرایش محمد رضانی. تهران: کتابفروشی و چاپخانه اسلامی، ۱۳۴۵.

«قبض‌های الواصل، صورت‌های جمع و خرج و امور مالی دربار ناصری و مظفری». ۱۳۷۲/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«قبوض پرداخت مخارج تعمیرات و بنایی عمارت دوشان‌تپه قراولخانه و غیره توسط سپهسالار اعظم، وجیه‌اله‌میرزا». ۱۳۸۹/۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی. ۳ج. لندن: محمدعلی کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳.

«گزارش اتمام کار خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه و درخواست تحویل کار و دریافت قبض / دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه». ۱۳۹۷/۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«گزارش‌های مختلف حکام ولایات به امین‌السلطان و ناصرالدین‌شاه». ۱۳۸۴/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنایی قصر عجاج و شمس‌العماره/ ۲۷محررم/ ۱۳۹۲». ۱۳۵۸۷/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۹۲ق.

«متن تلگراف‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های مقامات حکومتی و لشکری به شاه، امین‌السلطان و سایرین». ۱۳۶۶/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۹۸-۱۳۱۳ق.

محبوبی اردکانی، حسین. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه: جلد دوم: تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار. ویرایش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

محمدشاه قاجار. «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاشخانه و خطاب خانی به عبدالله‌خان». ۱۳۹۷/۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. ۳ج. تهران: زوار، ۱۳۸۸.

«مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه». ۱۳۹۵/۷۴۲۷. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

ممتحن‌الدوله. خاطرات ممتحن‌الدوله: زندگینامه میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شقاقی. ویرایش حسینقلی خانشقاقی. تهران: انتشارات فردوسی، نشر فرهنگ، ۱۳۶۲.

ناصرالدین‌شاه قاجار. روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۱ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق: به انضمام شرح کامل سفرنامه اول خراسان. ویرایش مجید عبد امین. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۶.

۱۷۱. نک: روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).

۱۷۲. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۳، ص ۱۵۱۶.

۱۷۳. از باب مثال، ساخت شمس‌العماره به مباشرت معیرالممالک در ۱۲۸۴ق،

باغ عشرت‌آباد به مباشرت اعتمادالسلطنه در ۱۲۹۱ق، کاخ شهرستانک به مباشرت

ابراهیم‌خان امین‌السلطان در ۱۲۹۵ق، و عمارت تلگراف‌خانه به مباشرت

علی‌قلی‌خان مخبرالدوله در ۱۳۰۳ق از جمله مصدق نقش مباشرت در

تشکیلات معماری دربار ناصری است (نک: روزنامه شرف، ش ۲۷ (جمادی

الاولی ۱۳۰۲ق)؛ همان، ش ۲۲ (ذی‌قعدة ۱۳۰۱ق)؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار،

ص ۸۸-۸۹، ۱۰۹-۱۱۱؛ همو، مرآة البلدان، ج ۳، ص ۱۸۲۱؛ همو، تاریخ

منتظم ناصری، ج ۳، ص ۲۰۴۴.

۱۷۴. در اینجا باید به تمایز میان «ریاست بنایی» و «ریاست بناخانه»

توجه کنیم. منظور از «ریاست بنایی» منصبی است که از ۱۲۹۰ق شکل

گرفت، اما «ریاست بناخانه» در واقع همان منصب معمارباشیگری است که

از ابتدای عصر ناصری و پیش از آن وجود داشته و اعتمادالسلطنه در المآثر

و الآثار دارندگان آن را در ذیل عنوان «اعضای ریاست بناخانه و منصب

معمارباشیگری» نام برده است.

۱۷۵. نک: «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۹۶، ۳۲۲؛

عبدامین، نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه، ص ۱۱۸.

۱۷۶. «دستخط ناصرالدین شاه به مستوفی الممالک در خصوص واگذاری عمل بنیایی ساختمان‌های دولتی به علاءالدوله»، ص ۱.

۱۷۷. ظاهراً در نیمه نخست عصر ناصری، دو منصب معمارباشیگری و فراشباشیگری در کنار یکدیگر ریاست معماری دربار ناصری را شکل می‌داده‌اند. از همین روست که اعتمادالسلطنه در بر شمردن رؤسای معماری نام معمارباشی‌ها و حاجب‌الدوله‌ها را از پی هم آورده است.

۱۷۸. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۴۴-۴۵.

۱۷۹. نک: اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۱، ص ۵۵۶؛ ج ۲، ص ۱۲۹۲-۱۲۹۴؛ ج ۳، ص ۲۱۳۹؛ «قبض‌های الواصل، صورت‌های جمع و خرج و امور مالی دربار ناصری و مظفری»؛ «تلگراف و نامه‌های ولیعهد، سپهسالار، اعتمادالدوله، امین اقدس، معزالدوله، ظل السلطان، اعتماد حضور، امیر نظام»، ص ۷۳؛ *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۲۰۳۹.

۱۸۰. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۵۵۴.

۱۸۱. ناصرالدین شاه، *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری)*، ص ۱۵۳-۱۵۴، ۴۹۵.

۱۸۲. *روزنامه ایران*، ج ۴، ص ۲۶۴۳.

۱۸۳. به معنای معماری کردن معماران طراز اول.

«نامه‌های سعید انصاری، فیروزمیرزا، عزیزخان مکرری، نیرالملک، مستوفی الممالک». ۱۸۱۵۵/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های ظل السلطان، وزیر امور خارجه، صاحب اختیار، امین السلطان و مقامات کشوری و لشکری». ۱۸۰۲۸/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های عزیزخان مکرری، سعید انصاری، عین‌الملک، حسام‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، مشیرالدوله، و سپهسالار به شاه». ۱۸۱۶۰/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های مقامات کشوری و لشکری به شاه در خصوص وصول مالیات، ارسال پیشکشی، رسیدگی به اختلافات مالی و ملکی و غیره». ۷۸۰۵/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه [۳]». در *بررسی‌های تاریخی*، ش ۵۵ (بهمن، اسفند ۱۳۵۵)، ص ۱۳۷-۱۷۶.

«نامه‌های ولیعهد، آصف‌الدوله، مخبرالدوله، مستوفی الممالک، معیر الممالک، فیروزمیرزا، امین‌الملک، مویدالدوله، دبیرالملک، حشمت‌الدوله به شاه». ۱۸۱۴۸/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی. *خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی*. ج ۳. ویرایش معصومه نظام مافی و دیگران. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

وزارت خارجه. «اسناد دارالخلافه تهران - دفاتر مکمل». تهران: مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۵-۸۴-، ۱۲۸۷ق.

هدایت، رضاقلی‌خان. *تاریخ روضة الصفای ناصری*. ویرایش جمشید کیان‌فر. ج ۱۵. تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.

_____. *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان*. ویرایش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۷.

_____. *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه. ق)*. ویرایش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۹.

_____. *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲ ق*. ویرایش مجید عبد امین. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.

_____. *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷ به انضمام سفرنامه‌های قم لار کجور و گیلان*. ویرایش مجید عبد امین. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۷.

_____. *سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ ه. ق)*. ویرایش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۸۱.

_____. *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری)*. ویرایش پرویز بدیعی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران: پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۸.

«نامه یکی از معماران در مورد تخریب خانه‌ای در مجاورت عمارت شمس العماره». ۲۷۳۴/۲۱۰. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۲۸۰.

«نامه‌ای به ناصرالدین شاه مبنی بر شکایت معمارباشی از نحوه ارزیابی عملکرد وی/ ۱۲۹۲ ق/ تهران». ۱۲۹۲ ق. ۳۶۱۴/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران.

«نامه‌ها، عرایض و گزارشاتی به ناصرالدین شاه». ۷۹۶۳/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌ها و گزارشاتی به ناصرالدین شاه». ۷۹۰۶/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.